

تاریخ، ادبیات و الهیات عهد جدید

جلسه هفتم: شاگردی در کتاب متی

نوشته دکتر تد هیلدبرانت

مقدمه و درک یک شاگرد [AC۸:۰۷-۰۰:۰۰:۰۳] A.

درک شاگردان [A = AC۸:۰۷-۰۰:۰۰:۰۳: ویدیوهای کوتاه ترکیبی]

خوش آمدید. امروز دوباره می‌خواهیم روی کتاب متی کار کنیم. دفعه قبل، در مورد روشمند بودن متی صحبت می‌کردیم - چیزهایی را که لوقا پراکنده می‌کند، برمی‌داشتیم و سخنان مرقس را بسط می‌دادیم، اما با این حال آثار مرقس آنها را توصیف می‌کرد، آنها را کوچک و کوچکتر می‌کرد. حالا، چیزی که امروز می‌خواهیم در موردش صحبت کنیم - بعد از روشمند بودن متی، ما در مورد متی از نظر شاگردی صحبت می‌کردیم. ما آن را رسول بودن «یا شاگردی می‌نامیدیم، و در مورد مفهوم عدالت جدیدی صحبت کرده بودیم که عیسی دستوراتی را» که در مورد آن صحبت می‌شد، می‌گرفت و آنها را در قلب در این نوع هسته، عدالت جدیدی که عیسی در مورد آن صحبت می‌کرد، قرار می‌داد. نه مانند کاتبان و فریسیان که از نظر مردم دیده شوند، بلکه مسائل قلبی. به طوری که قبلاً مسئله قتل بود، حالا از نظر خشم قلبی است. قبلاً از نظر زنا بود و حالا از نظر شهوت چشم است. و بنابراین عیسی شریعت را می‌گیرد و آن را با این نوع پارسایی که به عنوان یک معلم، یک موسی دوم، انجام می‌داد، در قلب‌ها جای می‌دهد.

حالا، کاری که امروز می‌خواهیم انجام دهیم این است که روی آن کار کنیم - اول از همه، با درک رسولان شروع می‌کنیم. وقتی این چیزهای مختلف، درک در تمثیل‌ها و همچنین در مرقس را مقایسه می‌کنید، بسیار جالب است. در متی فصل ۱۳ می‌گوید: «دانش اسرار پادشاهی آسمان به شما، رسولان، داده شده است، اما نه به آنها.» بنابراین، در متی، او رسولان را به عنوان کسانی که می‌فهمند به تصویر می‌کشد: «درک به شما داده شده است، اما نه به آنها.» در مرقس فصل ۴، آیه ۱۳، عبارت موازی، «عیسی به آنها گفت: «آیا این مثل را نمی‌فهمید؟ پس چگونه می‌توانید هر مثلی را بفهمید؟» «و بنابراین عیسی در کتاب مرقس شاگردان را به دلیل عدم درکشان سرزنش می‌کند، اما در متی می‌گوید: «به شما درک داده شده است.» و بنابراین تفاوت بین مرقس، شاگردانی که درک ندارند، و در متی، آنها که درک دارند، جالب است. مشابه همین مطلب در آیه بعدی نیز دیده می‌شود: «آیا این مثل را نمی‌فهمید؟» «مرقس می‌گوید: «خوشا به حال چشمان شما زیرا می‌بینند و گوش‌های شما زیرا می‌شنوند. بسیاری از پیامبران می‌خواستند آنچه را که شما می‌بینید ببینند، اما نمی‌توانستند.» بنابراین این عبارات با متی مطابقت دارند و فقط متی و مرقس را از هم متمایز می‌کنند.

## B. درک مطلب در متی و مرقس [۵:۴۰-۳:۰۳]

حالا نکته جالب دیگر این است که وقتی به سراغ قایق و راه رفتن روی آب می‌روید، چه اتفاقی می‌افتد. بگذارید فقط مقایسه کنم - و کاری که من انجام می‌دهم مقایسه متی و مرقس و نشان دادن تفاوت متی با مرقس است و سپس می‌گویم: "هوم، این یک جورهایی یک موضوع است." چرا متی چیزها را از روشی که مرقس داشت، تغییر داد؟ بنابراین وقتی آنها با قایق می‌آمدند، به یاد داشته باشید، عیسی روی آب به سمت آنها می‌رفت. در مرقس آمده است: "و آنها کاملاً متحیر شدند، زیرا نان‌ها را نفهمیدند، بلکه دل‌هایشان سخت شده بود." و در متی آمده است: "و کسانی که در قایق بودند، او را پرستش کردند و گفتند: "حقیقتاً تو پسر خدا هستی."" بنابراین وقتی عیسی در قایق اول سوار می‌شود، می‌گوید که آنها واقعاً همه نان‌ها و آنچه در آنجا می‌گذشت را نمی‌فهمیدند. در متی آمده است که آنها او را به عنوان پسر خدا می‌پرستیدند. بنابراین، این مقایسه بین این دو بسیار جالب است.

او همچنین در مورد خمیرمایه صحبت می‌کند. بگذارید فقط برگردم، دوباره در صحنه قایق هستیم، همان داستان در مرقس با خمیرمایه و قایق، عیسی به شاگردان دستور می‌دهد، او می‌گوید: «آیا هنوز نمی‌فهمید؟» (مرقس ۸:۲۱). (اما اگر به متی ۱۶:۱۲ بروید، پس از هشدار به آنها مبنی بر احتیاط از خمیرمایه فریسیان، می‌گوید: «آنگاه فهمیدند که او به آنها نگفته بود از خمیرمایه نان احتیاط کنند، بلکه از تعلیم فریسیان و صدوقیان.») بنابراین متی شاگردان را به عنوان افرادی فهمیده به تصویر می‌کشد. در مرقس، او می‌گوید که آنها نمی‌فهمیدند و باید برای آنها توضیح داده شود. بنابراین نحوه به تصویر کشیدن شاگردان در اینجا کمی جالب است. مرقس شاگردان را به خاطر نفهمیدن سرزنش می‌کند. متی این را حذف می‌کند و در عوض، عیسی تعلیم می‌دهد، و بنابراین عیسی در کتاب متی به عنوان یک معلم مؤثر به تصویر کشیده می‌شود. من فکر می‌کنم متی، عیسی را به عنوان یک معلم مؤثر به تصویر می‌کشد، و بنابراین شاگردانش را وادار به درک می‌کند، زیرا مسیح یک معلم مؤثر است. بنابراین شاگردانش به دلیل آموزه‌های او می‌فهمند، در حالی که مرقس آن جنبه آموزشی موضوع را چندان بسط نمی‌دهد. و او نوعی پیش‌زمینه را نشان می‌دهد، جایی که متی نشان می‌دهد که آنها ممکن است پس از آموزش عیسی، درک بیشتری کسب کنند. بنابراین جالب است که این دو در این مورد چگونه از هم جدا می‌شوند.

## ج. تطبیق این تفاوت‌های فهم [8:07-5:40]

حالا، چطور می‌توان این‌ها را با هم جور در آورد؟ ماجرای راه رفتن روی آب که قبلاً در موردش صحبت کردیم، می‌گوید: «وقتی او سوار قایق شد، آنها کاملاً شگفت‌زده شدند زیرا نفهمیده بودند.» در اینجا مرقس آمده است، آنها ماجرای نان‌ها را نفهمیده بودند و آن را درک نکرده بودند. با این حال در متی آمده است: ۶:۵۰ «آنگاه کسانی که در قایق بودند، او را پرستش کردند و گفتند: "حقیقتاً تو پسر خدا هستی."» بنابراین در مرقس آن «را درک نمی‌کنند، اما اگر به متی نگاه کنید، آن را درک می‌کنند و وقتی او سوار قایق می‌شود، می‌گویند: "تو پسر

خدا هستی.» بنابراین فقط این دو چیز را در مورد این درک که چه چیزی را فهمیدند و چه چیزی را نفهمیدند، در مقابل هم قرار می‌دهیم. هشدار در مورد خمیرمایه فریسیان، ما همین الان به آن اشاره کردیم. هشدار در مورد خمیرمایه فریسیان، داستان فریسیان با یک سرزنش به پایان می‌رسد - «آیا هنوز نفهمیده‌اید؟» (و این در مرقس است. در حالی که در متی ۱۶، پس از هشدار خمیرمایه فریسی آمده است): «آنگاه فهمیدند که او به ایشان نگفته بود که از خمیرمایه نان برحذر باشند، بلکه از تعلیم فریسیان.» و بنابراین، فقط با مقایسه این متون موازی که به نظر می‌رسد متی نشان می‌دهد که شاگردان می‌فهمند - مسیح معلمی مؤثر است. متی به دنبال چیزهای بیشتری می‌رود نه اینکه آنها نمی‌فهمیدند - متی به دنبال این *الیگوییستوی می‌رود*. حال، *الیگو*، بسیاری از شما تاریخ را - مطالعه می‌کنید و می‌دانید که *الیگو* مانند الیگارش‌ی است. الیگارش‌ی چیست؟ سلطنت چیست؟ سلطنت حکومت یک نفر است. الیگارش‌ی حکومت عده کمی یا عده زیادی است. الیگارش‌ی - حکومت عده کمی. بنابراین این تعداد کم است، *پیستوی* «ایمان» است. بنابراین، عیسی آنها را به خاطر ایمان کم به کتاب متی سرزنش می‌کند. بنابراین در متی، آنها تا حدودی آن را درک می‌کنند - آنها می‌فهمند. اما چیزی که متی شاگردان را به خاطر آن سرزنش می‌کند این نیست که آنها نمی‌فهمیدند، بلکه فقط ایمان کمی داشتند. متی این موضوع را در چندین قسمت مطرح می‌کند: «عیسی، با آگاهی از بحث آنها، پرسید: ای کم‌ایمانان، چرا با هم در مورد نداشتن نان صحبت می‌کنید؟» (بنابراین، در مرقس به این دلیل بود که آنها نمی‌فهمیدند، اما در متی، اساساً گفته می‌شود که مشکل، کمبود ایمان بود. آنها درک و فهم دارند و این نوع تفاوت را دارند. بنابراین مقایسه این دو جالب است - متی بر سطح ایمان تمرکز می‌کند.

د. هزینه شاگردی - دیتریش بونهوفر [۸:۰۷-۲۹:۱۱]

[؛ DF20:11-8:07: ویدیوهای کوتاه ترکیبی = B]

### هزینه شاگردی بخش ۱

حالا، ما به نوعی نشان داده‌ایم که عیسی با این شاگردی کار می‌کند، که آنها باید به دنبال عدالت باشند، به عنوان یکی از جنبه‌های شاگردی. ما به شاگردان نشان داده‌ایم که چگونه این نکته را درک می‌کنند که آنها ایمان ندارند، اما آنها درک می‌کنند، و حالا به یک موضوع اصلی می‌رسیم که می‌خواهم آن را هزینه شاگردی بنامم. و به محض اینکه این عبارت، "هزینه شاگردی"، را ذکر می‌کنم، چه چیزی به ذهنتان خطور می‌کند؟ خب، چیزی که شما دارید این است - اکثر ما می‌دانیم که شخصی به نام دیتریش بونهوفر وجود داشت، و این مربوط به زمان جنگ جهانی دوم است، و او کتابی به نام "*هزینه شاگردی*" نوشت که منتشر شده و بسیاری آن را خوانده‌اند. و دیتریش بونهوفر در دهه 1930 در آلمان بود، زمانی که هیتلر در حال ظهور بود، در واقع او در جوانی یک متکلم بود، زیرا همه این اتفاقات در حال رخ دادن بود و او شاهد اتفاقات در آلمان بود. او در واقع به

آمریکا آمد و در شهر نیویورک تحصیل کرد و در کلیسای سیامپوستان آنجا درس خواند و واقعاً از آهنگ و چیزهای مربوط به جامعه سیامپوستان و معنویت و ابراز ایمانشان الهام «Swing Low, Sweet Chariot» گرفت. سپس به آلمان بازگشت و روی راه‌اندازی یک مدرسه علمیه کار کرد. و این مدرسه، مدرسه علمیه مورد تأیید دولت نبود. بنابراین او مدتی در این مدرسه علمیه تدریس کرد و افکارش را پرورش داد - او یک صلح‌طلب بود. با ظهور هیتلر، آنها اساساً مدرسه علمیه را تعطیل کردند و او دوباره به لندن و سپس به آمریکا رفت و این اتفاق اکنون رخ داد - فکر می‌کنم در دهه 1940 بود - و وقتی به آمریکا آمد، این بار، متوجه شد که اتفاق بدی در آلمان در حال رخ دادن است و متوجه شد که اگر از آلمان فرار کند، نمی‌تواند با مردم آلمان صحبت کند، زیرا می‌توانست در زمانی که مردمش در حال مبارزه بودند، زندگی بسیار خوبی داشته باشد و کار خودش را انجام دهد، اما دوباره سوار قایق شد و با کشتی به آلمان بازگشت. او با این آگاهی که احتمالاً کشته خواهد شد، مستقیماً وارد این ماجرا شد و به همراه چند نفر دیگر نقشه ترور آدولف هیتلر را کشیدند. در اینجا یک صلح‌طلب را می‌بینیم که وقتی با چنین شرارت واقعی روبرو می‌شود، می‌گوید: «می‌دانید، کافی نیست که الان طرف دیگر صورتش را هم بگیریم. ما باید کاری انجام دهیم. این مرد دارد مردم را می‌کشد و اوضاع واقعاً بد است و ما باید کاری انجام دهیم.» بنابراین، او شروع به نقشه کشیدن برای ترور آدولف هیتلر کرد. سپس او زندانی شد و معلوم شد که حدود دو هفته قبل از ورود متفقین و آزادسازی آلمان - حدود دو هفته قبل از آزادسازی، او را برهنه کردند، بیرون بردند و در زندان آلمان آویزان کردند. فقط دو هفته - اگر زنده مانده بود، اما این خواست خداوند برای زندگی او بود. این هزینه شاگردی است. و وقتی دیتریش بونهوفر در مورد هزینه شاگردی می‌نویسد و صحبت می‌کند، این مرد می‌داند که در مورد چه چیزی صحبت می‌کند. او تصمیم گرفت برگردد و به آن مسیر برگردد، زیرا می‌دانست که این کار به قیمت جانش تمام می‌شود. او پیرو واقعی عیسی مسیح بود.

#### ه. هزینه شاگردی - آزار و اذیت امروز [۱۱:۲۹-۱۶:۵۴]

همچنین چیزهای زیادی در این عصر وجود دارد، من اغلب از دانشجویان می‌پرسم، ما در مورد اوایل - کتاب شهدای فاکس و چیزهای دیگر در مورد چگونگی آزار و اذیت در کلیسای اولیه، به ویژه در قرن اول پس از آن - نه قرن اول، بلکه قرن دوم که مقامات رومی داشتید، می‌خوانیم. در قرن اول، بیشتر آزار و اذیت محلی بود، مردم سعی می‌کردند وفاداری خود را به امپراتور نشان دهند و چیزهایی از این قبیل، اما بسیاری از مسیحیان کشته شدند. یعقوب، برادر یوحنا در سال ۴۴ میلادی کشته شد. پطرس - در روم به صورت وارونه مصلوب شد. پولس، در روم سر بریده شد. بنابراین شما مسیحیان زیادی داشتید - پولس، داستان‌هایی از کتاب اعمال رسولان را به خاطر دارید، کتک خوردن و انواع اتفاقات ناگوار برای او، سنگسار شدن، رها شدن برای مرگ، از این قبیل چیزها. و بنابراین من از مردم می‌پرسم، "دوران بزرگ آزار و اذیت در کلیسا چه زمانی بود؟ چه زمانی شهدای بیشتری نسبت به هر قرن دیگری که تاکنون داشته‌ایم، جان باخته‌اند؟ در دو هزار سال کلیسا، قرنی که بیشترین

توجه را به شهدای مسیحی داشته است، کدام بود؟ "او پاسخ قرن اول یا دوم نیست. پاسخ قرن بیستم است. تعداد مسیحیانی که در قرن بیستم و اکنون در قرن بیست و یکم جان خود را از دست داده‌اند، از تعداد مسیحیانی که در تمام آن قرن‌های کلیسا جان خود را از دست داده‌اند، بیشتر است. و این بسیار جالب است. همین الان داریم به نیجریه نگاه می‌کنیم، و در شمال نیجریه برخی از مسلمانان هستند که فقط مسیحیان را می‌کشند - وارد می‌شوند، شهرها را تصرف می‌کنند، افرادی را که به کلیسا می‌روند می‌کشند. ما به یاد داریم، و من گفتم - این چه زمانی بود، یک سال پیش یا دو سال پیش - در عراق، زمانی که مسیحیان دو هزار سال در عراق بودند. منظورم این است که کلیسا درست پس از مرگ مسیح در آنجا گسترش یافت، و کلیسای مسیحی دو هزار سال در عراق بوده است. ما صدام حسین را تصرف و شکست دادیم، و اکنون مسیحیان در عراق هستند، آنها عبادت می‌کنند. در بغداد، ۶۸ نفر در یک کلیسای مسیحی در حال عبادت هستند. آنها رو به جلو هستند و در یک مراسم کلیسای مسیحی عبادت می‌کنند، و ناگهان، یک تروریست اسلامی با مسلسل از پشت سر می‌آید و ۶۸ نفر را می‌کشد. از پشت به آنها شلیک می‌کند، این افراد را می‌کشد - افراد بی‌گناه، بدون سلاح، بدون هیچ راهی برای دفاع از خود - آنها به ضرب گلوله کشته می‌شوند. و بعد از خودتان می‌پرسید: "این موضوع در رسانه‌ها کجاست؟ این موضوع کجا بود؟" این یک داستان رسانه‌ای یک روزه بود و بعد ناپدید شد. من حتی در کلاس پرسیدم: "آیا کسی در مورد این موضوع شنیده است؟" و یک یا دو نفر بودند که حتی از آنچه اتفاق افتاده بود، خبر داشتند. ۶۸ مسیحی در یک مراسم عبادت در بغداد از پشت به ضرب گلوله کشته شدند - هیچ کس حتی به سختی از آن خبر دارد. در واقع در کلاس من، واقعاً جالب بود، یک نفر گفت: "من تعجب می‌کنم که آنها چه کاری انجام داده‌اند که سزاوار چنین چیزی هستند." متأسفم، این وارونه است. شما این افراد را به خاطر - و بنابراین این افراد به ضرب گلوله کشته می‌شوند، به طرز درممانده‌ای به این شکل. نیجریه

در مورد جنوب سودان و چیزهایی از این قبیل چطور؟ منظورم این است که معمر قذافی، او اکنون از قدرت خارج شده است، معمر قذافی مرده است. اما لیبی - او به مسلمانان پول می‌داد تا بروند و مسیحیان را از شمال آفریقا بکشند. و دوباره، مسیحیان در حال مرگ، مسیحیان در حال مرگ - جهان فقط چشم‌هایش را می‌بندد و ساکت می‌شود و بهانه می‌آورد و می‌گوید: "خب، فقط یک دیوانه این کار را کرده است." و شما می‌گویید، صبر کنید، این اتفاق بارها و بارها و بارها می‌افتد. چه اتفاقی افتاد؟ اوه، بهار عربی، بهار عربی فوق‌العاده سال ۲۰۱۱، و بعد این سوال را می‌پرسید که در مصر چه اتفاقی افتاد؟ آنها خودشان را آزاد کردند، بله، آزادی مبارک از مصر و سپس ناگهان می‌گویید، چه اتفاقی برای کلیسای قبطی افتاد؟ کلیسای قبطی دو هزار سال است که در مصر حضور دارد و آنها کلیساها را آتش می‌زنند و مسیحیان را می‌کشند و این را آزادی بهار عربی می‌نامند - این دوره بزرگ آزادی و مسیحیان در حال مرگ هستند و همه تشویق می‌کنند که بالاخره به دموکراسی می‌رسند و دموکراسی منجر به مرگ مسیحیان می‌شود. باز هم، چه کسی چیزی می‌گوید؟ همه چیز مسکوت مانده است.

هیچکس چیزی نمی‌گوید. خیلی کم. و بنابراین، چیزی که من می‌گویم این است که هزینه شاگردی بسیار واقعی است، و وقتی به بسیاری از شما جوانانی که اکنون در این کلاس شرکت می‌کنید نگاه می‌کنم، قلبم می‌شکند زیرا حدس می‌زنم، شما شاهد آزار و اذیتی خواهید بود که قبلاً هرگز ندیده‌اید. اوضاع اینجا رو به وخامت نیست. نه، اوضاع بیشتر و بیشتر ستیزه‌جویانه می‌شود. به عنوان یک مسیحی، به احتمال زیاد مجبور خواهید شد این جنبش‌های عظیم علیه مسیحیت را ببینید که در آن مردم مسیحیان را می‌کشند یا بدتر از آن، به نوعی، مسیحیان را مهار می‌کنند تا پیام مسیحیت نتواند اعلام شود. و بنابراین اتفاقی که می‌افتد این است که دولت‌ها می‌گویند: «خب، شما به عنوان یک مسیحی اجازه ندارید این کار را انجام دهید، شما به عنوان یک مسیحی اجازه ندارید آن کار را انجام دهید.» بنابراین، این چیزی است که ما باید در مورد آن فکر کنیم - هزینه شاگردی. بنابراین من فقط می‌خواهم روی این مفهوم، هزینه شاگردی، کار کنم. آن دختر را در تیراندازی کلمباین به یاد دارید و آن پسر می‌آمد و داشت بچه‌های کلاسش را می‌کشید، و از دختر می‌پرسد، اسلحه را روی سرش می‌گذارد و می‌گوید: «آیا شما مسیحی هستید؟» «دختر می‌گوید:» بله. «او ماشه را می‌کشد و مستقیماً به سر او شلیک می‌کند و او را می‌کشد. ما می‌گوییم چه شهادت فوق‌العاده‌ای. آخرین چیز - «آیا شما مسیحی هستید؟» «او می‌گوید» بله «و در آن لحظه می‌میرد. تراژدی. تراژدی. این در آمریکا، در کلرادو بود.

### و. بهای شاگردی - نه صلح، بلکه شمشیر [۵۴:۱۶-۱۱:۲۰]

خب، هزینه شاگردی بگذارید فقط چند نظر از عیسی بخوانم. این از فصل ۱۰ است، زمانی که عیسی دوازده نفر را می‌فرستد - او دوازده شاگرد خود را می‌فرستد - و به دوازده شاگرد هشدار می‌دهد که وقتی بیرون بروند چه اتفاقی خواهد افتاد و او این را می‌گوید: «زیرا من آمده‌ام تا مرد را علیه پدرش، دختر را علیه مادرش بشورانم؛ دشمنان مرد اعضای خانواده او خواهند بود، و هر کسی که پدر یا مادرش را بیشتر از من دوست داشته باشد، لایق من نیست. و هر کسی که صلیب خود را بر ندارد و از من پیروی نکند، لایق من نیست.» فکر می‌کنم بخش دیگری از یکی از انجیل‌های دیگر این را می‌گوید: «عیسی می‌گوید (و این هم بخش جالبی است)» (من نیامده‌ام تا صلح بیاورم، بلکه شمشیر». این عیسی مسیح است که صحبت می‌کند. او می‌گوید: «من نیامده‌ام تا صلح بیاورم، بلکه شمشیر بیاورم.» و بنابراین شما می‌پرسید: «آیا مسیحیت دین شمشیر است؟» «و شما می‌گویید:» خب، بله. عیسی تعلیم می‌دهد: «من نیامده‌ام تا صلح بیاورم، بلکه شمشیر آورده‌ام.» و بنابراین مردم می‌گویند: «ببینید، مسیحیت هم یک دین خشونت‌آمیز است.» «اشتباه است. باید به زمینه‌ی آن نگاه کنید. زمینه چیست؟ او به شاگردانش نمی‌گوید که شمشیر بردارند. وقتی پطرس شمشیر را برمی‌دارد و گوش مالکوس را در باغ جتسیمانی قطع می‌کند، عیسی می‌گوید: «شمشیر خود را بردارید؛ کسانی که با شمشیر زندگی می‌کنند، با شمشیر می‌میرند.» عیسی می‌گوید: «من نیامده‌ام تا صلح بیاورم، بلکه شمشیر آورده‌ام.» منظور او این است: «ای شاگردان، همانطور که بیرون می‌روید، شمشیر بر شما استفاده خواهد شد.» و عیسی می‌گوید آنچه اینجا اتفاق می‌افتد صلح نمی‌آورد، بلکه

شمشیر علیه شما به کار گرفته خواهد شد. این فراخوانی برای آنها نیست که شمشیر به دست بگیرند، او فقط به آنها هشدار می‌دهد که شمشیر - آن مرگ - سرنوشت چه کسی خواهد بود؟ حواریون. همه آنها به شهادت رسیدند، به جز یوحنا - ما نمی‌دانیم آنجا چه اتفاقی افتاد. و پولس را نیز می‌دانیم. بنابراین، هزینه شاگردی، مسئله شاگردی

برای من جالب است که در مورد حواریون، هر دوازده نفرشان را داریم - یهودا به خاطر خیانت به عیسی خود را حلق آویز کرد. پولس به عنوان یک شهید، در رم سر بریده خواهد شد. پطرس به صورت وارونه مصلوب خواهد شد زیرا پطرس خود را شایسته مرگ مانند مرگ عیسی نمی‌داند. پس نکته جالب این است که اساساً همه دوازده حواری بر اثر شهادت جان خود را از دست می‌دهند. یوحنا، در اینجا سوالی وجود دارد که چه اتفاقی برای یوحنا افتاد زیرا او تا دهه ۹۰ میلادی زندگی کرد، اما اساساً همه آنها بر اثر شهادت جان خود را از دست می‌دهند. شما می‌گویید: «این چیزی در مورد مسیحیت به من می‌گوید»، زیرا قبل از قیام مسیح از مردگان، این افراد همگی ترسیده و پنهان می‌شدند و اکنون پس از رستاخیز، قدرت خدا را در زندگی آنها می‌بینید. و این فقط یک شهادت جالب برای حقانیت مسیحیت است. این افراد مردند - آنها افسانه‌هایی در مورد عیسی نساختند - این افراد برای آنچه که باور داشتند مردند. آنها برای اعتقاداتشان مردند. وقتی می‌بینید هر دوازده نفرشان دارند می‌میرند، اگر فقط داشتند افسانه و اسطوره درباره عیسی می‌ساختند، انتظار می‌رود که یکی از آنها بگوید: «هی، ما این چیزها را از خودمان درآوردیم. اشکالی ندارد، لازم نیست من را بکشید چون همه اینها فقط ساخته و پرداخته ذهن ماست.» نه، نه، نه. همه آنها در حالی به کام مرگ رفتند که اعلام کرده بودند عیسی مسیح از مردگان برخاسته است.

ز. هزینه - رها کردن وابستگی‌ها [۱۱:۲۰-۵۶:۲۳]

[C = GH27:13-20:11: ویدیوهای کوتاه ترکیبی = C]

### هزینه شاگردی بخش دوم

خب، خب، هزینه شاگردی اینجا بیابید کمی بیشتر در مورد این موضوع صحبت کنیم. شما قضیه حاکم جوان ثروتمند را درک می‌کنید. بیابید به پایین نگاه کنیم و ببینیم، ما در مورد دیتریش بونهوفر صحبت کرده‌ایم و اینکه شاگردان واقعی طرد، آزار و اذیت، نفرت را متحمل خواهند شد - نه صلح، بلکه شمشیر. و بنابراین، این چیزی است که ما فقط در مورد آن صحبت می‌کردیم. سپس شما این جمله را دارید: "زیرا من آمده‌ام تا مرد را علیه پدرش یا دختر را علیه مادرش بشورانم. دشمنان مرد اعضای خانواده خود او خواهند بود، و هر کسی که مادر یا پدرش را بیشتر از من دوست داشته باشد، لایق من نیست. و هر کسی که صلیب خود را بر ندارد..." و تصویر برداشتن صلیب - ما امروز به آن به عنوان یک چیز مذهبی نگاه می‌کنیم، اما صلیب ابزاری بی‌رحمانه

برای مرگ بود، ... "و از من پیروی کن، لایق من نیست. و هر کسی که جان خود را بیاورد، آن را از دست خواهد داد. هر کسی که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، آن را خواهد یافت"

حالا، اینجا راها کردن، هزینه شاگردی با ترک یا رها کردن وابستگی‌ها است. بنابراین شما این داستان حاکم جوان ثروتمند را در کتاب متی دارید و من فقط می‌خواهم آن را بخوانم. حاکم جوان ثروتمند نزد عیسی می‌آید و می‌گوید: «چه کارهای خوبی باید انجام دهم تا به حیات ابدی برسم؟» «بنابراین، آن مرد می‌آید و مستقیماً از عیسی این سوال را می‌پرسد - «برای رسیدن به حیات ابدی چه باید بکنم؟» - شما انتظار دارید که عیسی بگوید: «به مسیح ایمان بیاور. به من ایمان بیاور و حیات ابدی خواهی داشت.» این چیزی نیست که عیسی به این مرد جوان می‌گوید. خیلی جالب است. او می‌گوید: «قتل نکن. زنا نکن. چیزهای دیگر را نذر.» «مرد جوان اینگونه پاسخ می‌دهد: «من همه اینها را حفظ کرده‌ام. هنوز چه چیزی کم دارم؟» «می‌گوید - من معتقدم که در کتاب مرقس آمده است - که عیسی به این مرد جوان که ظاهراً شریعت را رعایت کرده بود نگاه کرد و عیسی او را دوست داشت. با این حال، عیسی او را به مرحله بعدی سوق می‌دهد و می‌گوید: «اگر می‌خواهی کامل باشی، برو دارایی‌هایت را بفروش و به فقرا بده و در آسمان گنج خواهی داشت. سپس بیا و از من پیروی کن.» او با ناراحتی رفت زیرا ثروت زیادی داشت. سپس عیسی می‌گوید: «برای یک مرد ثروتمند ورود به پادشاهی آسمان دشوار است.» عبور شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر از ورود یک مرد ثروتمند به بهشت، به پادشاهی است. بنابراین، شما این جمله را اینجا می‌بینید که حاکم جوان ثروتمند نمی‌تواند از وابستگی به ثروت خود دست بکشد، و عیسی گفت: «آن را رها کنید، به فقرا بدهید. بیاوید و از من پیروی کنید.» «بنابراین، شاگردان از این موضوع گیج شده‌اند. آنها می‌گویند: پس چه کسی می‌تواند نجات یابد؟» «ورود یک مرد ثروتمند به پادشاهی دشوارتر از عبور شتر از سوراخ.» «سوزن است»

راستی، من سوراخ سوزن را به معنای واقعی کلمه سوراخ سوزن می‌دانم. همه همیشه گفته‌اند: «خب، این دروازه‌ای بود که شتر باید از آن عبور می‌کرد تا تمام کالاها را بردارد.» نمی‌دانم، این هیچ‌وقت واقعاً به دلم ننشسته. فکر می‌کنم، در واقع، او در مورد یک سوزن صحبت می‌کند و فقط این تضاد بزرگ را نشان می‌دهد. او سعی دارد بگوید که این غیرممکن است - بدون خدا - برای یک مرد ثروتمند غیرممکن است. اما، ضمناً، ما می‌دانیم که افراد ثروتمندی در کلیسای اولیه مسیح را پذیرفتند. ما یوسف اهل رامه را داریم؛ نیکودیموس و دیگران را داریم که به نظر می‌رسد افراد ثروتمندی بودند که از عیسی حمایت کردند؛ ما لیدیا را در کتاب اعمال رسولان داریم - لیدیا، فروشنده لباس‌های بنفش؛ و دیگران، بنابراین این یک چیز ضد ثروت نیست. فقط می‌گوید که ظاهراً این ثروت به این مرد جوان چنگ زده بود و عیسی دقیقاً می‌دانست که کجاست

ح. هزینه - انکار/از دست دادن خود [۵۶:۲۳-۱۳:۲۷]

حال، مردن برای نفس و از دست دادن خود به خاطر مسیح، جنبه دیگری از هزینه شاگردی است. و بنابراین، این موضوع در اینجا در بخشی که به عنوان تقلید از مسیح نامیده می‌شود، مطرح می‌شود و اجازه دهید فقط این بخش را بخوانم. این از فصل ۱۶، آیات ۲۴ تا ۲۶ است. در آن آمده است: «سپس عیسی به شاگردان خود گفت: اگر کسی بخواهد از من پیروی کند، باید خود را انکار کند و صلیب خود را بردارد و از من پیروی کند. زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد و هر که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، آن را خواهد یافت. چه سودی برای انسان دارد اگر تمام دنیا را به دست آورد، اما جان خود را از دست بدهد؟ و انسان در ازای جان خود چه می‌تواند بدهد؟» بنابراین عیسی در اینجا، در مورد فداکاری برای مسیحیت صحبت می‌کند. گاهی اوقات در مورد مسیحیت فرهنگی که در آمریکا می‌بینم، تعجب می‌کنم. مردم می‌گویند: «اگر از عیسی پیروی کنی، زندگی فوق‌العاده‌ای خواهی داشت. نوعی زندگی هدفمند خواهی داشت - در زندگی هدفی خواهی داشت و همه چیز خوب پیش خواهد رفت. خدا این لبخند بزرگ را بر لبانت خواهد نشانید و تو همیشه خوشحال خواهی بود.» و شما می‌گویید: «یک دقیقه صبر کن، ما اینجا در مورد صلیب صحبت می‌کنیم. ما در مورد رنج و از دست دادن جان به خاطر انجیل صحبت می‌کنیم.» بنابراین، جالب است که چگونه فکر می‌کنم اوضاع بیشتر به سمت این نوع انجیل «سلامتی و ثروت» تغییر کرده است: از عیسی پیروی کن و او زندگی تو را می‌سازد - همه چیز بهتر خواهد شد. و پاسخ این است - از برخی جهات عمیق - پاسخ این است که بله، حس هدف و معنا در زندگی و یک زندگی هدفمند بیشتر وجود دارد، اما معنای دیگری هم وجود دارد که در آن ممکن است فقدان‌های بزرگ و رنج‌های بزرگی وجود داشته باشد که مسیحیان در جای پای عیسی پیروی می‌کنند. ما باید در جای پای عیسی قدم برداریم و راه عیسی راه غم و اندوه است. عیسی «مردی غمخوار و آشنا با غم» است. شما او را نمی‌بینید، مگر اینکه در کتاب‌فروشی‌های مسیحی یا جایی شبیه به عیسی خندان باشید. شما عیسی را چه می‌بینید؟ در حال گریه بر اورشلیم، عیسی را در حال رنج کشیدن می‌بینید، و این مسیری است که ما به آن فراخوانده شده‌ایم. بنابراین این آن نوع عیسی شاد - همیشه شاد - که در فرهنگ ما به تصویر کشیده شده است، نیست. این تقلید از مسیح - ما حتی کتابی از توماس آکمپیس به نام *تقلید از مسیح داریم* - و بنابراین کسانی که از مسیح پیروی می‌کنند از او تقلید می‌کنند و در جای پای او قدم می‌گذارند، و جای پای او راه صلیب است، از دست دادن جان خود برای دیگران. و بنابراین این یک پیام سخت است. هزینه شاگردی وجود دارد. بوده است - و شاگردانی که از عیسی پیروی کرده‌اند، با زندگی خود، خانواده خود و انواع چیزها، بهای سنگینی پرداخته‌اند. بنابراین هر کسی که از مسیح پیروی کند، این نوع چیزها را خواهد دانست.» حال، اگر کسی بخواهد از من پیروی کند، باید خود را انکار کند و صلیب خود را بردارد و از من پیروی کند.» ما از مسیح تقلید می‌کنیم. ما در جای پای او گام برمی‌داریم. همانطور که او به سوی صلیب می‌رود، ما نیز چنین می‌کنیم.

الف. شاگردان حقیقی و دروغین [۱۳: ۲۷-۱۸: ۳۲]

[D = ویدیوهای کوتاه ترکیبی IK۳۹: ۴۶-۲۰: ۱۱؛]

شاگردی، آیا من مسیحی هستم؟

حالا، نکته‌ی دیگری که اینجا وجود دارد، هزینه‌ی شاگردی است. ما در مورد عدالت حقیقی صحبت کردیم؛ ما در مورد درک صحبت کردیم، اینکه باید معلم خود را درک کنیم؛ و حالا در مورد هزینه‌ی شاگردی صحبت کردیم. حالا می‌خواهم به این موضوع پیامبران حقیقی و دروغین یا شاگردان حقیقی و دروغین نگاهی بیندازم. ظاهراً شاگردان حقیقی و دروغین وجود دارند. و بنابراین، متی در مورد رسولان و شاگردان دروغین چه تعلیم می‌دهد؟ ما در مورد معنای شاگرد مسیح بودن صحبت می‌کنیم، و ظاهراً شاگردان حقیقی و دروغین وجود دارند. متی این را به شیوه‌های بسیار تکان‌دهنده‌ای مطرح می‌کند. و بنابراین، می‌توانیم در مورد تمثیل علف‌های هرز صحبت کنیم که در آن چه؟ یک کشاورز بیرون می‌رود و گندم خوب را در زمین خود می‌کارد. در حالی که او خواب است، دشمن می‌آید و علف‌های هرز را در باغ می‌کارد. اتفاقی که می‌افتد این است که خادمان می‌بینند که اکنون علف‌های هرز با گندم مخلوط شده‌اند و می‌گویند: "آیا باید علف‌های هرز را بیرون بیاوریم؟" و ارباب می‌گوید: «نه، بگذارید گندم و علف‌های هرز تا زمان برداشت با هم رشد کنند.» و در زمان برداشت، دروگرانش را می‌فرستد و دروگرانش گندم را از علف‌های هرز جدا می‌کنند و علف‌های هرز را با آتش خاموش‌نشدنی می‌سوزانند - که مسلماً به معنای چیزی منفی است - اما علف‌های هرز می‌سوزند. اما آنها با هم رشد می‌کنند، گندم و علف‌های هرز با هم رشد می‌کنند. گندم رشد می‌کند و حدود شصت یا صد خوشه غلات تولید می‌کند. علف‌های هرز هیچ تولید نمی‌کنند، بنابراین سوزانده می‌شوند. بنابراین، این مثلی است که در کلیسای مسیحی ترکیبی وجود دارد. شما فکر می‌کنید که همه مسیحی هستند و پاسخ منفی است، ترکیبی وجود دارد. عیسی در این مثل به ما در مورد آن هشدار می‌دهد. ایمان یا عمل؟ این سوال بزرگی است که مطرح می‌شود - ایمان یا عمل؟

حالا، از شما می‌خواهم که به این، این جمله از عیسی و این از متی فصل ۷ نگاه کنید. این موعظه سر کوه است. این آموزه اصلی عیسی است - موعظه سر کوه. و این چیزی است که او می‌گوید، و من فکر می‌کنم این مجموعه آیات از بعضی جهات کاملاً ترسناک است. حالا، می‌دانم که ما از هیچ چیز نمی‌ترسیم، ما باید همیشه خوشحال باشیم زیرا عیسی روح ما را نجات داده است و اکنون بیمه آتش‌سوزی داریم. خب، به این نگاه کنید و ببینید چه فکر می‌کنید: متی فصل ۷، آیات ۲۱ و ۲۲، او می‌گوید: «نه هر که به من بگوید، 'خداوند، خداوند' وارد پادشاهی آسمان شود، بلکه فقط کسی که «- چه کسی؟ چه کسی وارد پادشاهی آسمان می‌شود؟ همه کسانی که این عبارت کوچک را می‌گویند - من وقتی پنج ساله بودم دعا کردم، «من به عیسی ایمان دارم» و عیسی گناهان من را بخشید. بنابراین این فرمول کوچک را گفتم: عیسی، من به تو ایمان دارم و به تو توکل می‌کنم» و اگر این فرمول کوچک را بگوییم، نجات می‌یابیم. آیا این چیزی است که عیسی می‌گوید؟ چه کسی وارد پادشاهی می‌شود؟ او در

اینجا به صراحت می‌گوید. این تعلیم عیسی در مورد اینکه چه کسی وارد پادشاهی او می‌شود، است. و این کسانی نیستند که می‌گویند "خداوندا، خداوندا" - این را بررسی کنید - "بلکه فقط کسی که، "چه؟" اراده پدر مرا که در آسمان است، انجام می‌دهد" "هر که اراده پدر مرا که در آسمان است، انجام دهد. بسیاری در آن روز به من خواهند گفت: "خداوندا، خداوندا، آیا ما به نام تو نبوت نکردیم؟" "به عبارت دیگر، "من یک واعظ بودم. من یک واعظ بودم. من بیرون رفتم و انجیل تو را موعظه کردم. من به نام تو نبوت کردم و به نام تو دیوها را بیرون راندم" "به عبارت دیگر، "مرد، ما آنقدر خوب بودیم که دیوها را به نام عیسی بیرون می‌کردیم و معجزات زیادی انجام می‌دادیم". این افراد واقعاً معجزه می‌کردند. آنها فکر می‌کردند که برای مسیح معجزه می‌کنند». آنگاه آشکارا به ایشان خواهیم گفت: "من هرگز شما را نشناختم. از من دور شوید، ای بدکاران" «آیا این افراد واقعاً فکر می‌کردند که این کارها را به نام مسیح انجام می‌دهند - معجزات، نبوت، موعظه، اخراج دیوها. مسیح می‌گوید: «من هرگز شما را نشناختم»

احتمال خودفریبی. به نظر من، این مستقیماً احتمال خودفریبی را به ما نشان می‌دهد - اینکه یک نفر می‌تواند فکر کند مسیحی است. ظاهراً این افراد فکر می‌کردند مسیحی هستند، شروع به فهرست کردن تمام کارهایی که انجام داده‌اند می‌کنند. و عیسی می‌گوید: "نه، نه. شما باید اراده پدر من را انجام دهید". بنابراین باید بفهمیم که اراده پدر چیست. اما این افراد فکر می‌کردند که این کار را انجام می‌دهند، و عیسی می‌گوید: "من هرگز شما را نمی‌شناختم" و سپس می‌گوید: "از من دور شوید، ای بدکاران". بنابراین، احتمال خودفریبی وجود دارد. من فقط این را مطرح می‌کنم چون به نظر من بسیاری از مردم فکر می‌کنند مسیحی هستند، و همانطور که پسر یک بار به من گفت، من یک پیراهن لیکرز می‌خرم و یک پیراهن لیکرز می‌پوشم، آیا این من را به یک بازیکن بسکتبال لیکرز تبدیل می‌کند؟ نه. می‌دانید، اگر به اندازه کافی در یک گاراژ زندگی کنم، آیا این من را به یک ماشین تبدیل می‌کند؟ نه. شما باید اراده پدر را انجام دهید و بنابراین باید در مورد برخی از این موارد بسیار مراقب باشید.

**ی. شاگردان حقیقی و دروغین - گوسفندان و بزها [متی ۲۵] [۱۸:۳۲-۳۸:۳۵]**

بنابراین، شاگردان حقیقی و دروغین وجود دارند. این یکی دیگر است، و این هم واقعاً نافذ است. این گوسفندان و بزها هستند، و این در داوری نهایی است. حالا شما در بهشت هستید، در یک زمینه آسمانی، و پدر قرار است گوسفندان را از بزها جدا کند - گوسفندان در دست راست او، بزها در دست چپ او. چگونه گوسفندان و بزها را جدا می‌کند؟ بزها بدهایی خواهند بود که به جای اشتباه می‌روند. بنابراین، بر چه اساسی وارد پادشاهی می‌شوند؟ بر چه اساسی گوسفندان وارد پادشاهی می‌شوند؟ بگذارید اینجا برای شما بخوانم، سپس می‌گوید: "سپس پادشاه رو به کسانی که در سمت چپ هستند خواهد کرد و می‌گوید، " - به کسانی که در سمت چپ هستند، بنابراین

این بزها هستند - "دور شوید از شما، ای نفرین‌شدگان، به آتش ابدی که برای شیطان و شیاطین او آماده شده است." در واقع، جالب است، آیا می‌دانید که عیسی بیشتر در مورد جهنم صحبت می‌کند تا در مورد بهشت؟ و با این حال مردم امروز می‌گویند: «خب، البته که جهنمی وجود ندارد چون ما هیچ گناهی نداریم.» اولاً - فرهنگ ما، ما کل مفهوم گناه را حذف می‌کنیم و بنابراین مفهوم هر نوع عواقبی را که پس از آن رخ می‌دهد، حذف می‌کنیم. ما بالاخره آمریکایی هستیم. می‌توانیم هر کاری که می‌خواهیم انجام دهیم و هیچ عواقبی وجود ندارد، درست است؟ نه. عیسی در مورد این صحبت می‌کند، او می‌گوید: «ملعونین، به آتش ابدی که برای شیطان و شیاطین او آماده شده است.» حالا، چرا؟ چرا؟ - «زیرا من گرسنه بودم و شما به من غذا ندادید. من تشنه بودم و شما به من آب ندادید. من غریب بودم و شما مرا به خانه خود دعوت نکردید.» سپس آنها پاسخ خواهند داد: «خداوند، کی تو را گرسنه یا تشنه یا غریبه یا برهنه یا بیمار یا زندانی دیدیم و به تو کمک نکردیم؟» (و او پاسخ خواهد داد): «به شما حقیقت را می‌گویم. وقتی از کمک به کوچکترین اینها، برادران و خواهران من، خودداری کردید، از کمک به من نیز خودداری کردید.» آنها شگفت زده شدند. «کی تو را دیدیم؟ کی تو را مریض و برهنه دیدیم و به تو کمکی نکردیم؟» آنها تعجب کردند. آنها فکر کردند که خودشان این کار را کرده‌اند. و عیسی می‌گوید، نه، نه. هر کاری که با کوچکترین اینها کردید، با من کردید.» این هم جالب است، وقتی که به گوسفندان نزدیک می‌شوید و او به گوسفندان می‌گوید: «به پادشاهی من بیایید.» گوسفندان می‌گویند: «خب، چطور می‌توانیم وارد اینجا شویم؟» (او می‌گوید): «هر کاری که با کوچکترین اینها کردید، با من کردید.» و خود گوسفندان حتی نمی‌دانستند چه زمانی به این افراد و چیزهایی از این قبیل کمک کرده‌اند، بنابراین این نوع وارونه‌سازی اینجا جالب است. باز هم، من فقط دارم مسئله خودفریبی را مطرح می‌کنم. یک کتاب واقعاً مهم که مردم باید از آن آگاه باشند، کتاب قدیمی اسکات پک به نام «مردم دروغگو» است. اتفاقی که می‌افتد این است که ما با دروغ‌هایی که به خودمان و عیسی در اینجا در پایان می‌گوییم، راحت می‌شویم. هیچ بهانه‌ای وجود ندارد، و باز هم، فرهنگ ما از بهانه‌ها ساخته شده است. ما همیشه قربانی هستیم. ما همیشه نوعی بهانه داشته‌ایم، و عیسی می‌گوید: «نه، نه. اینجا شسته نمی‌شود. حتی اگر یک چیز فکر می‌کردید، آن واقعیت نبود، و اکنون باید با واقعیت روبرو شوید، و تصمیمات شما عواقبی دارد. شما به کوچکترین اینها کمک نکردید و بنابراین مرا ترک کردید، ای گناهکاران.» این یک متن بسیار بسیار قوی است که این مسئله خودفریبی را مطرح می‌کند.

**ک. انجام اراده پدر - آیا من مسیحی هستم؟ [۳۸:۳۵-۴۶:۳۹]**

حالا، یک چیز دیگر، برگردیم به این و فقط یک چیز دیگر که می‌خواهم به آن بپردازم. عیسی، از نظر شاگردانش، او می‌آید و مادر و برادرانش نزد او می‌آیند. مادر و برادرانش، مریم و یعقوب و یوسف، نزد عیسی می‌آیند و اساساً می‌خواهند عیسی را ببینند، و عیسی - و این متی فصل ۱۲، آیه ۴۹ است - او به شاگردانش اشاره کرد و گفت: «اینان مادران و برادران من هستند.» (به عبارت دیگر، او تعریف خود از خانواده در اینجا و جامعه

را گسترش می‌دهد، به دور از نوعی نسب خونی با مادر و برادران که از نظر خونی به آن مربوط می‌شود، و اساساً آن را گسترش می‌دهد که «این شاگردان، اینها مال من هستند. اینها مادر و برادران هستند.» سپس او این را می‌گوید: «هر که اراده پدر من را در آسمان انجام دهد، برادر و خواهر و مادر من است.» برادر او کیست؟ خواهر او کیست؟ «هر که اراده پدر، پدر من را در آسمان انجام دهد، برادر و خواهر و مادر من است.» توجه کنید که او به شما فرمول کوچکی نمی‌دهد که بگویید: «بله، فقط به من ایمان داشته باش، به من بگو که به من ایمان داری و بعد همه چیز درست می‌شود.» نه، او این را نمی‌گوید. او می‌گوید: «هر که اراده پدر مرا که در آسمان انجام دهد.» است، انجام دهد

و بعد، آخرین مورد با این نوع ایده از شاگردان واقعی و دروغین. به این نگاه کنید. مرد خردمند خانه‌اش را بر روی صخره ساخت. مرد نادان خانه‌اش را بر روی شن ساخت. همه این نوع داستان را می‌دانند، مرد خردمند خانه‌اش را بر روی صخره ساخت - ما آن آهنگ را وقتی بچه بودیم خواندیم - و مرد نادان خانه‌اش را بر روی شن ساخت. تفاوت بین مرد خردمند و مرد نادان چیست؟ این متی فصل ۷ است، دوباره، موعظه بالایی کوه عیسی این را می‌گوید: «بنابراین، هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، مانند مرد خردمندی است که خانه‌اش را بر روی صخره بنا کرد. هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند، مانند مرد نادانی است که خانه‌اش را بر روی شن بنا کرد.» بنابراین عیسی در اینجا تمایز روشنی بین شاگردان واقعی به عنوان کسانی که سخنان عیسی را می‌شنوند و به آنها عمل می‌کنند، قائل می‌شود. حالا سخنان عیسی چیست؟ او همین الان در موعظه بالایی کوه در سه فصل در مورد آن صحبت کرده است. «خوشا به حال فقیران در روح، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است. خوشا به حال پاکدلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید. خوشا به حال شما وقتی که مردم شما را آزار می‌دهند و به خاطر عدالت انواع کارهای زشت را انجام می‌دهند، زیرا پادشاهی آسمان از آن شماست.» عیسی در آموزه‌های خود توضیح می‌دهد و می‌گوید: «هر که این سخنان را بشنود و به آنها عمل کند.» کافی نیست که فقط بگویید: «من این چیزها را می‌شنوم و بله، به آنها ایمان دارم.» نه، نه. او باید آنها را به عمل درآورد.

در واقع تمرینی که من با خودم انجام می‌دهم، به طور منظم این است که از خودم می‌پرسم: «آیا من مسیحی هستم؟» «از خودم این سوال را می‌پرسم: آیا من مسیحی هستم؟» «و شما می‌گویید: اوه، دکتر هیلدبرانت، شما این همه سال کتاب مقدس را تدریس کرده‌اید.» «آن افرادی را که کلام را موعظه می‌کردند به یاد دارید و او گفت:» از من دور شوید، ای بدکاران! «من از خودم می‌پرسم: آیا من مسیحی هستم؟» «و پاسخ این نیست که اوه، البته. بله.» «آیا من اراده پدر را انجام می‌دهم؟ فکر می‌کنم این یک سوال سالم برای یک فرد است که از خود پرسد و به طور جدی در نظر بگیرد که «آیا من مسیحی هستم؟» «و از خود پرسد: آیا من در جای پای عیسی قدم برمی‌دارم؟ آیا صلیب خود را برمی‌دارم و از او پیروی می‌کنم؟» «و بنابراین، فکر می‌کنم این یک چیز سالم

است، نه از نظر وحشت، مثل اینکه من نجات خودم را به دست می‌آورم و باید همه این کارها را انجام دهم». نه، اما فکر می‌کنم این فقط یک چیز سالم است که تأمل کنیم تا کسی از مسیحیت خود راضی نشود. آنها می‌گویند: او، بلکه، من یک مسیحی هستم. مشکلی نیست. من پیراهن لیکرز را پوشیدم، می‌بینی؟ و پیراهن لیکرز به این «معنی است که من با لیکرز بسکتبال بازی می‌کنم». نه. شما پیراهن را می‌پوشید، شما یک بازیکن نیستید. بنابراین باید در این مورد مراقب باشید، و فکر می‌کنم پرسیدن این سوال سالم است - «آیا من یک مسیحی هستم؟» عمیقاً در مورد معنای آن فکر کنید.

### ل. الهیات عیسی - معلم بزرگ [43:58-39:46]

[E = ؛ ۵۸:۴۳-۱۸:۴۸ LM: ویدیوهای کوتاه ترکیبی = E]

#### بزرگتر از موسی

بنابراین، شاگردان حقیقی و دروغین، هزینه شاگردی - اینها چیزهای بسیار سنگینی هستند. حالا کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که در مرحله بعد کار کنیم - ما قصد داریم موضوعات را از شاگردی دور کنیم. ما در مورد چیزهای مختلف شاگردی صحبت کرده‌ایم - هزینه شاگردی، عدالت مربوط به شاگردی، درک شاگردان، عیسی به عنوان یک معلم، و شاگردان حقیقی و دروغین، و این نوع چیزها. کاری که می‌خواهم در مرحله بعد انجام دهم این است که به الهیات عیسی در متی بپردازم - الهیات عیسی و اینکه متی چگونه عیسی را به تصویر می‌کشد. هر یک از نویسندگان انجیل، عیسی را به طور متفاوتی به تصویر می‌کشند. در واقع، متی، مرقس و لوقا از یک چشم، - "Syn optic". به عنوان انجیل‌های هم‌نوا شناخته می‌شوند زیرا آنها مسیح را از یک چشم می‌بینند از یک چشم. بنابراین، متی، مرقس و لوقا به عنوان انجیل‌های هم‌نوا شناخته می‌شوند زیرا آنها بسیار موازی با یکدیگر هستند، به نظر می‌رسد که بسیار به یکدیگر وابسته هستند، در حالی که یوحنا قرار است دیدگاه کاملاً متفاوتی به ما ارائه دهد. همانطور که قبلاً گفتیم، داشتن چندین دیدگاه در مورد عیسی واقعاً جالب است، زیرا هر فرد از دیدگاه خود در مورد چگونگی دیدن عیسی می‌نویسد. این به ما اجازه می‌دهد - همانطور که گفتیم، برای عمق میدان به دو چشم نیاز داریم و بنابراین می‌توانیم از چندین دیدگاه ببینیم - و از این انجیل‌های متعدد، درک عمیقی از عیسی به دست آوریم. یوحنا بسیار متفاوت خواهد بود - یادم نیست چه بود، حدود ۹۲ درصد از یوحنا کاملاً منحصر به کتاب یوحنا است. در متی، مرقس و لوقا - همپوشانی زیادی وجود خواهد داشت، اما با این حال متی، مرقس و لوقا هر کدام مسیح را متفاوت به تصویر می‌کشند. بنابراین می‌خواهم به این نکته اشاره کنم - بخشی از آن به شخصیت آنها مربوط می‌شود. نویسنده، عیسی را به شیوه‌ای خاص به تصویر می‌کشد و می‌بیند. نکته دیگری که واقعاً مهم است، مخاطبی است که برای او می‌نویسند، و به نظر می‌رسد مرقس برای مخاطبان رومی می‌نویسد و بنابراین بسیاری از مضامین رومی را در عیسی درک خواهد کرد. به نظر می‌رسد متی برای مخاطبان یهودی می‌نویسد - برخی از مردم در کلیسای اولیه در واقع فکر می‌کردند که متی به زبان آرامی نوشته

شده است، و بحث بزرگی بر سر این بود که آیا متی در ابتدا به زبان آرامی نوشته شده و سپس به یونانی ترجمه شده است یا اینکه در ابتدا به زبان یونانی نوشته شده است. بنابراین به نظر می‌رسد متی این گرایش یهودی را دارد مرقس از نظر مخاطب بیشتر رومی است، و سپس لوقا، البته، برای اعلیحضرت تئوفیلوس می‌نویسد، که ظاهراً، شخصیت مهمی در جهان باستان است که او هم لوقا و هم اعمال رسولان را برای او می‌نویسد، این رهبر. بنابراین، دیدگاه‌های متفاوتی از خود نویسنده و اینکه چه کسانی هستند، وجود دارد، اما همچنین دیدگاه‌های متفاوتی از نظر مخاطبانی که می‌نویسند، و ما به عنوان مفسر، باید هم نویسنده و هم مخاطب را در نظر بگیریم تا بفهمیم که او در آنجا چه چیزی را منتقل می‌کند.

بنابراین، الهیات مسیح از دیدگاه متی، و اینکه متی چگونه عیسی را می‌بیند و چگونه منحصر به فرد است و غیره؟ یکی از اولین چیزهایی که متی عیسی را به تصویر می‌کشد این است که عیسی معلم بزرگ است. در کتاب متی، عیسی مانند یک خاخام است که در حال تدریس است، و بنابراین او معلم بزرگ است. و بنابراین، در فصل ۱۲، آیه ۴۲، همانطور که شما داشتید، می‌گوید که عیسی - "کسی بزرگتر از سلیمان اینجا است." سلیمان مرد خردمند بزرگ جهان باستان، اسرائیل باستان، و اکنون "کسی بزرگتر از سلیمان" بود. به یاد داشته باشید که چگونه گفتیم که عیسی در کتاب متی به عنوان موسی جدید به تصویر کشیده شده است، و ما به این موضوع نیز باز خواهیم گشت، موسی جدید. اما در اینجا ما تا آنجا که سلیمان یک معلم خردمند بود را می‌بینیم - مردی که بسیاری از ضرب‌المثل‌های عهد عتیق را به ما داد و معلم خردمند بود. پسر، به نصیحت پدرت گوش کن "و سلیمان می‌رفت و تعلیم می‌داد. عیسی، "کسی بزرگتر از سلیمان"، اکنون اینجا است، و آن عیسی است. بنابراین، عیسی یک معلم حکمت است و به تصویر کشیده شده است، و حتی برخی از اشکالی که او استفاده می‌کند: خوشا به حال فقرا، روح، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است، "خوشا به حال پاکدلان" - "خوشا به حال پاکدلان" آن فرمول، برکت - خوشا به حال یک شکل حکمت است. این یک شکل ادبی است که توسط حکیمان در عهد عتیق استفاده می‌شده است، بنابراین عیسی آن است.

#### م. عیسی بزرگتر از موسی است [۴۸:۱۸-۴۳:۵۸]

عیسی از موسی بزرگتر است، و بنابراین این مقایسه را با موسی می‌بینید: «شما این گفته را از قدیم شنیده‌اید» «و سپس او چیزهایی را از عهد عتیق در جاهای مختلف نقل می‌کند،» «اما من به شما می‌گویم» - «او یک معلم معتبر است. او کسی است که از موسی بزرگتر است. موسی شریعت را وضع کرد. همانطور که موسی پنج کتاب داشت - پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه - به نام پنجگانه،» «پنتا» - «پنج،» «تئوک» - «کتاب، پنج کتاب، پنج کتاب اول تورات، کتاب‌های آموزش، تورات. در کتاب متی، عیسی پنج سخنرانی ارائه می‌دهد. و بنابراین

اساساً خطبه بالای کوه، فرستادن دوازده نفر، تمثیل‌های پادشاهی، آموزه‌های کلیسا در متی ۱۸ و سپس سخنرانی زیتون در ۲۴ و ۲۵ را دارید. بنابراین عیسی این پنج سخنرانی را انجام می‌دهد که همانطور که گفتیم با آن عبارت رایج شروع می‌شوند: «وقتی عیسی این را تمام کرد... و شروع می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد متی کتاب خود را بر اساس این پنج گفتمان اصلی عیسی بنا نهاده است.

برخی فکر می‌کنند - و من فکر می‌کنم منطقی است - که متی این پنج گفتار عیسی را طوری تنظیم می‌کند که عیسی را به عنوان موسی جدید تشبیه کند. بنابراین این یک ارتباط جالب در اینجا وجود دارد - پنج بخش متی، قانون جدید همانطور که دسیلوا در مقدمه عهد جدید خود به این موضوع اشاره می‌کند. تشبیهات بین موسی و عیسی به نوعی جالب است. منظورم این است که به نظر می‌رسد یک تشبیه هدفمند و عمدی بین عیسی و موسی وجود دارد. به عنوان مثال، نوزادان کشته می‌شوند. فقط متی، از بین تمام انجیل‌ها، متی تنها انجیلی است که به ما می‌گوید هیروود تمام نوزادان بیت‌لحم را کشت. ما گفتیم بیت‌لحم شهر کوچکی بود، بنابراین ما صحبت نمی‌کنیم - وقتی جوان‌تر بودم، فکر می‌کردم صدها و هزاران نوزاد زیر دو سال در حال مرگ هستند. این شهر بسیار کوچکی است. ما احتمالاً در آن زمان در مورد زیر دوازده کودک صحبت می‌کنیم، احتمالاً به این دلیل که شهر بسیار بسیار کوچکی بود. همانطور که گفتیم، به راحتی جا می‌شود - بیت‌لحم به راحتی در محوطه کالج گوردون اینجا جا می‌شود، بنابراین جای بزرگی نیست. اما نوزادانی که در بدو تولد یک پادشاه - عیسی - کشته شدند. آیا به یاد دارید که در بدو تولد موسی، نوزادان دیگری نیز کشته شدند؟ به یاد دارید که آنها نوزادان را در رودخانه می‌انداختند و سپس سعی می‌کردند همه نوزادان پسر را با ماما‌های عبری و این چیزها بکشند؟ بنابراین نوزادانی را دارید که می‌میرند و سپس موسی قیام می‌کند، و سپس عیسی، نوزادانی را دارید که می‌میرند و عیسی قیام می‌کند. بنابراین شما این تشابه را بین - و این فقط در اینجا در متی انجام شده است، نویسندگان انجیل دیگر آن را ندارند. هم موسی - موسی به مصر می‌رود، موسی در مصر است - و هم عیسی به مصر می‌رود. یوسف و مریم - فرشته نزد یوسف می‌آید و می‌گوید: "به مصر برو زیرا هیروودیس می‌خواهد بچه را بکشد." و بنابراین اساساً، یوسف و مریم و عیسی را جمع می‌کند و آنها به مصر می‌روند. سپس عیسی از مصر بیرون می‌آید. وقتی عیسی از مصر بیرون می‌آید، این است: "از مصر پسر را فراخوانده‌ام." درست مانند هوشع فصل 11: 1 می‌گوید: "از مصر پسر را فراخوانده‌ام" و پسرش اسرائیل بود و چه کسی این را رهبری می‌کرد؟ آن موسی بود. همانطور که موسی با اسرائیل از مصر بیرون می‌آید، عیسی نیز در سال‌های اولیه زندگی‌اش از مصر بیرون می‌آید. بنابراین، عیسی نوعی موسی جدید است. عیسی این موسی جدید است که از مصر بیرون می‌آید. هم موسی و هم عیسی در کوه با خدا ملاقات می‌کنند. موسی به کوه سینا می‌رود و عهد، عهد باورنکردنی از خدا را در کوه سینا، کوه حوریب، دریافت می‌کند. عیسی در کوه تجلی با خدا ملاقات می‌کند و بنابراین این یک چیز بسیار جالب است. هر دو در کوه با خدا ملاقات می‌کنند و سپس تجلی. در تجلی در متی فصل ۱۷، چه کسی ظاهر می‌شود؟ موسی و الیاس. یادتان هست؟ قرار بود الیاس اول بیاید و یحیی تعمید دهنده، ارتباطاتی در آنجا وجود دارد. اما با موسی -

موسی آنجا در کوه تجلی بود، بنابراین عیسی مانند این موسی جدید است و با موسی در کوه تجلی بحث و گفتگو می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد این تشابه بین موسی و عیسی وجود دارد. عیسی موسی جدید در کتاب متی است.

ن. عیسی به عنوان شفا دهنده - خدمتکار افسر رومی [۱۸:۴۸-۱۵:۵۳]

[F = ویدیوهای کوتاه ترکیبی NF۶۰:۰۵-۴۸:۱۸؛]

### مسیح به عنوان شفا دهنده، خدا با ماست

حال، از جنبه‌های دیگری هم می‌توان به عیسی نگاه کرد. در عهد عتیق، یهوه، شفا دهنده محسوب می‌شد. آدونای روفه «- خداوند، شفا دهنده. متی به این موضوع اشاره می‌کند، بنابراین شما عیسی را در کتاب متی به» عنوان یک شفا دهنده می‌بینید. دو نوع معجزه وجود دارد که عیسی انجام می‌دهد. یکی معجزات درمانی نامیده می‌شود و زمانی است که عیسی واقعاً کسی را شفا می‌دهد و او را درمان می‌کند. آنها یک بیماری جسمی دارند و او آن را درمان می‌کند، به این معجزه درمانی می‌گویند. اما معجزات غیردرمانی نیز وجود دارد. حال یک معجزه غیردرمانی این است که عیسی روی آب راه برود. هیچ کس شفا پیدا نکرد. هیچ شفای درمانی وجود نداشت. فقط عیسی روی آب راه می‌رفت. در تغییر شکل، عیسی تغییر شکل می‌دهد و در مقابل آنها تغییر شکل می‌دهد. این هم یک معجزه است - این یک معجزه است، اما یک معجزه درمانی نیست. بنابراین دو نوع معجزه وجود دارد - معجزات درمانی و غیردرمانی.

سپس وقتی به معجزات درمانی نگاه می‌کنید، مثلاً در کتاب متی فصل ۸ داستان‌های زیبایی وجود دارد. یک سنتوریون وجود دارد. حالا، سنتوریون یک سنتوریون رومی است، بنابراین او از روم می‌آید، او بیش از صد نفر است. لژیون‌های آنها معمولاً حدود شش هزار نفر بودند - نمی‌دانم؛ لژیون‌ها بسیار عظیم بودند. سپس در لژیون‌ها، در سطوح مختلف تقسیم شده بود، و این مرد بیش از صد نفر بود. بنابراین او یک سنتوریون است و او یک شخصیت بزرگ است. او یک شخصیت مهم است. او یک سنتوریون رومی است. باز هم، یهودیان تحت سلطه رومی‌ها هستند، بنابراین سنتوریون‌ها معمولاً منفی هستند، سلطه رومی‌ها. سنتوریون نزد عیسی می‌آید، و سنتوریون از عیسی می‌خواهد که بیاید و بنده‌اش را شفا دهد زیرا بنده‌اش واقعاً در حال مبارزه است و یک مشکل "پزشکی با این بنده دارد، و عیسی - او اساساً از عیسی می‌پرسد". آیا می‌آیی و بنده من را شفا می‌دهی؟

حالا خیلی جالبه که فرمانده - فرمانده بالای صد سال - آیا نگران خدمتکارش هست؟ فرمانده خیلی نگران خدمتکارش هست. او برای خودش نمی‌آید، برای خدمتکارش می‌آید. من فکر می‌کنم این فقط بخشی از شخصیت فرمانده را نشان می‌دهد. فرمانده اینطور وانمود نمی‌کند که "من فرمانده قدرتمندی هستم که بالای صد سرباز رومی هستم و می‌توانم مردم را نابود کنم و "... نه، نه، نه. این فرمانده خدمتکاری دارد که رنج می‌کشد و نزد عیسی می‌آید تا از او کمک بخواهد. این او را در چه جایگاهی قرار می‌دهد؟ از نظر جایگاه، فرمانده را زیر دست

عیسی قرار می‌دهد. او نزد عیسی می‌آید و برای خدمتکارش التماس کمک می‌کند. این یعنی او باید از اسب بلندمرتبه‌اش پایین بیاید و زیر دست عیسی قرار بگیرد و از عیسی درخواستی کند. حالا، مشکل این است که فرمانده نزد عیسی می‌آید و عیسی می‌گوید: "بسیار خب، من با تو می‌آیم". افسر رومی جلوی عیسی را گرفت و گفت: «من لایق این نیستم که به خانه‌ام بیایی. من لایق این نیستم که به خانه‌ام بیایی.» باز هم، این افسر رومی - شما فروتنی این مرد را می‌بینید. او مرد بسیار قدرتمندی است، اما فروتنی او را می‌بینید.» من لایق این نیستم که به خانه‌ام بیایی «و سپس گفت:» من مردی تحت امر هستم و این را می‌فهمم. من حرف می‌زنم و مردم هر چه بگویم انجام می‌دهند. بله، من آن مرد هستم. من حرف می‌زنم و می‌توانم مردم را به کام مرگ بفرستم. من حرف می‌زنم و مردم می‌روند و دستور مرا اجرا می‌کنند. من آن مرد هستم. من می‌دانم تحت امر بودن و داشتن مردمی که حرف می‌زنی و آنها به خاطر من که یک افسر رومی هستم، از جا می‌پرند، چه حسی دارد.» و او به عیسی گفت: «فقط کلام را بگو و خدمتکار من شفا خواهد یافت.» نظر عیسی چیست؟ معمولاً عیسی شاگردانش را سرزنش می‌کند - «شما هنوز متوجه نمی‌شوید؟» یا «او، ای کم‌ایمانان» - و شاگردان خودش را سرزنش می‌کند. او رو به افسر می‌کند و افسر می‌گوید: «فقط کلام را بگو - لازم نیست به خانه من بیایی. خانه من لایق تو نیست. فقط کلام را بگو و او شفا خواهد یافت.» و عیسی می‌گوید: «من چنین ایمانی را در تمام اسرائیل نیافته‌ام. چنین ایمانی را نیافته‌ام» - افسر. عیسی کلام را می‌گوید و آن مرد شفا می‌یابد. خدمتکار شفا می‌یابد. چه داستان زیبایی! عیسی سخن می‌گوید و اتفاقاتی می‌افتد. حال، به هر حال، هر کسی از کلاس عهد عتیق را که به یاد دارید. چه کسی سخن می‌گوید و اتفاقاتی می‌افتد؟ «در ابتدا، خدا آفرید و گفت:» روشنایی باشد «و روشنایی پدید آمد.» خدا سخن گفت و چیزها به وجود آمدند «- مزمور ۶: ۳۳. او با کلام خود سخن گفت، و اکنون شما عیسی را دارید که سخن می‌گوید و مردم را شفا می‌دهد. بیماری‌های زندگی، چیزهایی که در زندگی اشتباه هستند، عیسی می‌تواند سخن بگوید و آنها را درست کند و این شخص را شفا دهد. بنابراین، این واقعاً جالب است، به خصوص در کتابی که برای یهودیان نوشته شده است.

### عیسی از طریق لمس شفا می‌دهد: زنی با مشکل [۱۵: ۵۳-۵۴: ۳۲-۵۶]

یکی دیگر این است که همینطور که او می‌رود، این مرد می‌آید، اسمش یایروس است. یایروس دختری دارد که در آستانه مرگ است، او خواهد مرد، عیسی قرار است او را نیز شفا دهد، پس یک معجزه درمانی دیگر. این در متی فصل ۸ است. معجزات زیادی در متی فصل ۸ و ۹ وجود دارد. فصل ۱۳ - متی و تمثیل‌ها، اما فصل‌های ۸ و ۹ - متی معجزات زیادی دارد. بنابراین، عیسی از میان جمعیت عبور می‌کند، همه عیسی را هل می‌دهند و این چیزها، و بعد ناگهان عیسی - عیسی چگونه شفا می‌دهد؟ خب، ما همین الان با افسر رومی دیدیم، او صحبت کرد و این اتفاق افتاد. اما او چگونه بارها شفا می‌دهد؟ از طریق لمس. بنابراین مردم او را در میان جمعیت هل می‌دهند، او به دنبال یایروس می‌رود - دختر آن مرد در حال مرگ است، او خواهد مرد. بنابراین او به

خانه آن مرد می‌رود تا او را شفا دهد. او از میان جمعیت عبور می‌کرد - جمعیت به او فشار می‌آورد - ناگهان این زن جلو آمد و گفت: «ای مرد، اگر فقط می‌توانستم لبه‌ی ردایش را لمس کنم. اگر فقط می‌توانستم لباسش را لمس کنم، شفا می‌یافتم.» او خونریزی داشت. سال‌هاست که خونریزی دارد و به پزشکان زیادی مراجعه کرده و «...هیچ‌کس نتوانسته او را شفا دهد. او گفت:» اگر فقط می‌توانستم لبه‌ی ردایش را لمس کنم

او از میان جمعیت عبور می‌کند، او را لمس می‌کند، و ناگهان - حالا، باید از دیدگاه یهودی به این موضوع فکر کنید. او زنی است که خونریزی دارد. آیا او پاک است یا ناپاک؟ به کتاب لایوان که ترم گذشته خواندیم فکر کنید. آیا او پاک است یا ناپاک؟ او خون می‌ریزد. او ناپاک است. حالا، پاکی چگونه از بین می‌رود؟ معمولاً پاکی و ناپاک بودن از طریق لمس کردن از بین می‌رود. و اگر کسی ناپاک باشد، مثلاً جذام داشته باشد، و شما را لمس کند، تا عصر ناپاک می‌شوید و باید خودتان را بشویید و کارهای مختلفی از این قبیل انجام دهید. بنابراین این زن ناپاک نزد عیسی می‌آید و لباس او را لمس می‌کند. عیسی باید ناپاک شود. اما در عوض چه اتفاقی می‌افتد؟ این کار به ضرر او تمام می‌شود. او او را لمس می‌کند و پاک می‌شود. او شفا می‌یابد. عیسی رو به او می‌کند و به او می‌گوید: «نه، نه، این تو نیستی که لباس مرا لمس می‌کنی، بلکه ایمان توست که تو را شفا داده است.» عیسی او را شفا داده است. خب، این یه صحنه‌ی خیلی خیلی زیباست که این زن توش هست. دوباره، عیسی چطور اون رو شفا داد؟ از طریق لمس. اون زن عیسی رو لمس کرد و شفا پیدا کرد.

فکر می‌کنم مورد دیگر که لمس کرد - و این دقیقاً بالای سر است - در متی فصل ۸ هم هست. مادرزن پطرس را یادتان هست؟ پطرس یک مادرزن داشت و مادرزن پطرس تب داشت و عیسی چطور مادرزن پطرس را شفا داد؟ او آمد و او را لمس کرد، دست او را گرفت و تبش قطع شد. پس عیسی، چطور باید بگویم؟ - عیسی مردم را لمس می‌کند. عیسی مردم را لمس می‌کند، آنها را شفا می‌دهد و آنها خوب می‌شوند. این فقط یک تصویر زیبا از عیسی است که صحبت می‌کند و مردم را شفا می‌دهد. عیسی مردم را لمس می‌کند - لمس کردن یعنی چه؟ اینکه عیسی نزدیک است. لمس کردن یک چیز بسیار نزدیک است و عیسی نزدیک است و مردم را لمس می‌کند و آنها را شفا می‌دهد. و بنابراین، شما معجزات درمانی را دارید که عیسی شفا دهنده است. عیسی شفا دهنده است و مردم را شفا می‌دهد - فوق‌العاده است - با لمس و گفتارش. او صحبت می‌کند و اتفاق می‌افتد.

**پ. عمانوئیل - خدا با ماست [۳۲:۵۶-۰۵:۰۵]**

حالا، امانوئل. این جنبه‌ی دیگری است. حالا وقتی می‌گویید «شما در حال آموزش الوهیت مسیح در کتاب متی هستید.» (اکثر مردم در مورد آموزش الوهیت مسیح فکر می‌کنند، معمولاً به این فکر می‌کنید که - به سراغ چه کتابی می‌روید؟ کسی با الوهیت مسیح مشکل دارد. فرض کنید، چند شاهد یهوه به در خانه شما می‌آیند و شروع می‌کنند به گفتن اینکه «خب، عیسی واقعاً خداست، او واقعاً خدا نیست» و شروع می‌کنند به گفتن این حرف‌ها

با ترجمه‌ی دنیای جدیدشان و شروع می‌کنند به تحت تأثیر قرار دادن شما. معمولاً برای رد این حرف، برای نشان دادن اینکه عیسی مسیح خداست، به چه کتابی مراجعه می‌کنید؟ شما معمولاً به یوحنا ۱:۱ مراجعه می‌کنید - «در ابتدا کلمه بود»، - عیسی - «در ابتدا کلمه بود، کلمه با خدا بود، کلمه خدا بود. - کلمه خدا بود» و کلمه جسم شد و در میان ما ساکن شد «و بنابراین می‌دانیم که این عیسی است و در مورد کلمه صحبت می‌کند که خدا بود، و من و پدر یک هستیم» و سایر قسمت‌های کتاب یوحنا. البته، آنها تمام ردیه‌های خود را بر آن آیات و ترجمه‌های «غلط از کتاب مقدس خود دارند، اما معمولاً وقتی به آموزه‌های الوهیت عیسی فکر می‌کنید، به کتاب یوحنا مراجعه می‌کنید.

می‌خواهم به کتاب متی نگاهی بیندازم و مفهوم الوهیت مسیح را در متی درک کنم. و یکی از مضامینی که می‌خواهم اینجا به آن بپردازم، مفهوم نام اوست، نام او عمانوئیل. حال، اکثر شما این «ال» در انتها می‌شناسید. «ال» به معنی خداست. سپس «امانو» به معنی «با ماست». بنابراین، خدا - «ال» با ماست. «این یک نام زیبا - یک نام فوق‌العاده و زیبا - این نام عیسی است،» و او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد و او عمانوئیل نامیده خواهد شد، که به معنی «خدا با ماست» است. «متی فصل ۱۸، وقتی در مورد کلیسا و زمینه انضباط کلیسا صحبت می‌کند، می‌گوید: «جایی که دو یا سه نفر جمع می‌شوند، من در میان هستم. جایی که دو یا سه نفر جمع می‌شوند، من در میان هستم.» بنابراین خدا، از نظر عمانوئیل خود، خدا با ماست. سپس همین چیز در مأموریت بزرگ یافت می‌شود. کتاب اینگونه به پایان می‌رسد. جالب است که کتاب متی با این نام عمانوئیل، خدا با ما و نامگذاری عیسی در اوایل قرن آغاز می‌شود و کتاب با مأموریت بزرگ در متی فصل ۲۸، آیات ۱۸ تا ۲۰ به پایان می‌رسد. متی کتاب خود را اینگونه به پایان می‌رساند: «عیسی آمد و به شاگردانش گفت: تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است. پس بروید و شاگرد بسازید!» می‌بینید که این موضوع شاگردی چقدر مهم است. «بروید و از همه ملت‌ها شاگرد بسازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید دهید. به این شاگردان جدید بیاموزید که از تمام احکامی که به شما داده‌ام اطاعت کنند.» و سپس اینگونه نتیجه می‌گیرد: «و مطمئن باشید که من همیشه با شما هستم، حتی تا پایان عصر.» «من همیشه با شما هستم.» عمانوئیل، خدا با ما. و بنابراین، شما این جملات عالی را از نام این شخص، عمانوئیل، در ابتدای کتاب، در وسط کتاب و در انتهای کتاب می‌شنوید، این من با شما هستم «که زیباست زیرا او از شاگردانش می‌خواهد که کارهای واقعاً سختی انجام دهند، اما او با آنهاست.

س. راه رفتن پطرس روی آب [65:24-60:05]

؛ [G] QS74:24-60:05: ویدیوهای کوتاه ترکیبی = G

پادشاهی مسیح

حالا، راه رفتن پطرس روی آب موضوع جالبی است. فقط می‌خواهم یک ایده جدید از شما بگیرم. داشتم کتاب ایوب را می‌خواندم و این واقعاً به ذهنم رسید، و می‌خواهم این را به عنوان ایده‌ای برای بررسی به شما پیشنهاد کنم. نمی‌گویم این انجیل است، - من از کسی این را نشنیده‌ام، بنابراین فقط - هر وقت خودم چیزی کشف می‌کنم، همیشه در مورد آن تردید می‌کنم که آیا واقعاً مشروع است، اما فقط می‌خواهم در مورد آن فکر کنید. این عیسی است که روی آب راه می‌رود. آیا در فصل ۱۴ یادتان هست؟ شما عیسی را دارید که روی آب راه می‌رود. پطرس سپس می‌گوید: "اگر واقعاً تویی، عیسی، بگذار با تو از قایق پیاده شوم." پطرس از قایق پیاده می‌شود و چند قدم برمی‌دارد، امواج را می‌بیند، وحشت می‌کند و به داخل می‌افتد، سپس عیسی او را بیرون می‌کشد، و وقتی عیسی وارد قایق می‌شود، شاگردان چه نتیجه‌ای می‌گیرند؟ آنها نتیجه می‌گیرند که "تو پسر خدا هستی." عیسی روی آب راه می‌رود و از این نتیجه می‌گیرند که او خداست. حالا، این چطور کار می‌کند؟ خب، به نظر من اینطور می‌آید - و در واقع من در کتاب ایوب بودم، و این را در کتاب ایوب خواندم، و خیلی جالب است. او روی آب راه می‌رود، و نتیجه‌گیری آنها این است که "تو پسر خدایی." چطور آنها از راه رفتن روی آب به خدا می‌پرنند؟ حالا این را بررسی کنید. در عهد عتیق، مزامیر ۶۸ و جاهای دیگر، خدا به عنوان "سوار ابرها" به تصویر کشیده شده است، و به نظر من، این نوعی تمسخر و تحقیر پرستش بعل است، زیرا بعل کسی بود که در مذهب کنعانی بر ابرها سوار می‌شد. خدا می‌گوید: "نه، نه. من کسی هستم که بر ابرها سوار می‌شود"، یعنی "من کسی هستم که باران را می‌آورم. این بعل نیست که باران را می‌آورد، من کسی هستم که باران را می‌آورم، سوار ابرها." در ایوب، این را می‌گوید، ایوب فصل ۹، آیه ۸: "او تنها آسمان را می‌گستراند." چه کسی آسمان را می‌گستراند؟ "او تنها آسمان را می‌گستراند." این درباره خداست. او کسی است که آسمان‌ها را می‌گستراند. «و چه کار دیگری انجام می‌دهد؟...» و بر امواج دریا گام برمی‌دارد. «او آسمان‌ها را می‌گستراند و بر امواج دریا گام برمی‌دارد.» بنابراین به نظر من این‌طور می‌رسد که - آنها عیسی را در حال انجام چه کاری می‌بینند؟ آنها عیسی را می‌بینند که بر امواج دریا گام برمی‌دارد و نتیجه می‌گیرند: «چه کسی تنها کسی است که بر امواج دریا گام برمی‌دارد؟ این کاری است که خدا انجام می‌دهد. خدا آسمان‌ها را می‌گستراند و او بر امواج دریا گام برمی‌دارد.»

حالا باید کمی در مورد یهودیان از نظر خودشان بدانید - یهودیان مردم کوهستان بودند. وقتی وارد سرزمین فلسطین می‌شوید، دریای جلیل، رود اردن، دریای مرده را در سمت راست یا شرق خود دارید. سپس به کوهی در حدود ۲۷۰۰ فوت بالاتر از سطح دریا می‌رسد، دریای مرده حدود ۱۳۰۰ فوت پایین‌تر از سطح دریا است، بنابراین حدود ۳ تا ۴۰۰۰ فوت بالاتر از سطح دریا خواهید داشت و سپس به دریای مدیترانه می‌رسید. بنابراین دریای مدیترانه را دارید که بالا می‌آید - بنابراین آنها معمولاً مردم کوهستان هستند. یهودیان با اقیانوس خیلی خوب کنار نمی‌آیند. وقتی در مورد اقیانوس - دریای مدیترانه، این نوع چیزها - صحبت می‌کنند، معمولاً در مورد اقیانوس بزرگ به عنوان نمادی از هرج و مرج صحبت می‌کنند. بنابراین وقتی دریا موج است، برای آنها

هرج و مرج است. آنها مردم دریا نیستند. آنها کوه‌ها، حفاظت، می‌دانید، ثبات - کوه‌ها را دوست دارند. دریاها آشفته و همیشه در حال تغییر و کف‌آلود هستند و بنابراین دریاها بارها نمایانگر هرج و مرج هستند. بنابراین آنچه شما دارید این است که خدا روی آب راه می‌رود و عیسی دریا را آرام می‌کند. هرج و مرج با کلام او آرام می‌شود. هرج و مرج بر او غلبه نمی‌کند، او آن را درگیر نمی‌کند. او آن را آرام می‌کند. او روی امواج دریا راه می‌رود. بنابراین شما عیسی را دارید و - فقط قدرت خود را به عنوان خدا نشان می‌دهید. جالب است که پطرس از قایق پیاده می‌شود و روی آن راه می‌رود، و امسال، فکر می‌کنم، برخی از دانش‌آموزان در کلاس سؤال می‌پرسیدند، اما شما عیسی را دارید که روی آب راه می‌رود و سپس پطرس روی آب راه می‌رود. اهمیت این چیست؟ و من تعجب می‌کنم که آیا این یک نگاه اجمالی به پادشاهی آسمان است. آنچه شما دارید این است که نه تنها عیسی، به عنوان خدا، روی آب‌ها راه می‌رود، بلکه در اینجا یک شاگرد، یک پیرو عیسی را نیز دارید که روی آب راه می‌رود. من تعجب می‌کنم که آیا این نشان می‌دهد که با آمدن پادشاهی، روزی ما بر کل زمین تسلط خواهیم داشت، همانطور که در فصل دوم پیدایش آمده است، به انسان تسلط بر زمین داده شد. روزی زمانی فرا خواهد رسید که ما مانند عیسی بر روی آب راه خواهیم رفت، و پطرس، با پطرس، شما نگاهی اجمالی به آن خواهید داشت، در اینجا پادشاهی در حال وقوع است. پطرس بر روی آب راه می‌رود. این سرنوشت بشر است که ما بر زمین تسلط خواهیم داشت. دیگر هرج و مرج حاکم نخواهد بود، بلکه ما بر روی آب راه خواهیم رفت. بنابراین، این شاید کمی پیشگویی از پادشاهی آینده با پطرس باشد. بنابراین، فقط چند ایده وجود دارد، من آنها را خیلی قوی مطرح نمی‌کنم زیرا خودم در مورد برخی از آنها سوالاتی دارم، اما جالب است. آنها پس از دیدن راه رفتن او بر روی آب نتیجه می‌گیرند که "تو پسر خدا هستی".

### ر. پادشاهی مسیح [69:06-65:24]

حال، بیایید به پادشاهی و پادشاهی آسمان نگاهی بیندازیم. بسیاری از مردم گفته‌اند: «پادشاهی درباره چیست؟ پادشاهی جایی است که پادشاه حکومت می‌کند و پادشاه عیسی مسیح است.» بنابراین اینها مواردی هستند که به پادشاهی مسیح در این پادشاهی آسمان اشاره می‌کنند، که یک موضوع اصلی الهیاتی در کتاب متی است. در نسب‌نامه - اگر عیسی مسیح پادشاه باشد، آیا پادشاه به نسب‌نامه نیاز دارد؟ یک پادشاه به نسب‌نامه نیاز دارد - یک فرد عادی، بله، تا حدودی - اما، یک پادشاه به نسب‌نامه نیاز دارد. ضمناً، نسب‌نامه عیسی به چه کسی برمی‌گردد؟ اگر به سخنرانی‌های او گوش دهید، دیو متیسون این موضوع را به شیوه‌ای درخشان در آیه اول متی مطرح کرده است. در کتاب متی: «عیسی مسیح، پسر داوود». «عیسی مسیح، پسر داوود.» و بنابراین، این شجرنامه، ارتباط عیسی را به عنوان پسر داوود، کسی که قرار است عهد داوود را به انجام برساند و بیاید - از دوم سموئیل فصل ۷ نشان می‌دهد که تخت داوود «تا ابد» بر اسرائیل حکومت خواهد کرد. اکنون عیسی مسیح به عنوان پسر بزرگ - داوود که بزرگتر از داوود است، می‌آید، پسرش که «تا ابد حکومت خواهد کرد.» بنابراین، شجرنامه او به داوود

و همچنین به ابراهیم و تحقق عهد ابراهیمی و گسترش آن - برکتی برای همه ملت‌ها - برمی‌گردد. عیسی مسیح، در عهد عتیق، وقتی سموئیل را نوشتیم، به یاد دارید وقتی یک پادشاه منصوب می‌شود - سموئیل پادشاه منصوب می‌کند - اولین کاری که یک پادشاه جدید باید انجام دهد چیست؟ همین امر در داوران نیز یافت می‌شود. وقتی یک قاضی در اسرائیل منصوب می‌شود، اولین کاری که قاضی انجام می‌دهد چیست؟ اولین کاری که یک پادشاه جدید اسرائیل انجام می‌دهد چیست؟ اولین کاری که یک پادشاه اسرائیل انجام می‌دهد این است که بیرون می‌رود و یک پیروزی نظامی به دست می‌آورد. او پادشاه مسح شده است، اولین کاری که انجام می‌دهد این است که یک پیروزی نظامی به دست می‌آورد. یابیش گلیداد، مورد شائول. کسی داوود را به خاطر دارد؟ - داوود در اول سموئیل ۱۶ مسح می‌شود، داوود به عنوان پادشاه مسح می‌شود، و سپس فصل ۱۷، فصل بعدی - داوود در اول سموئیل ۱۶ مسح می‌شود، و در فصل بعدی، داوود بیرون می‌رود و با جالوت می‌جنگد. بنابراین، پادشاه مسح می‌شود، و سپس پادشاه پیروزی بزرگی به دست می‌آورد، و این نقش داستان جالوت در رابطه با پادشاهی داوود و به معنای واقعی کلمه است.

حالا، عیسی کیست؟ عیسی اکنون پادشاه است، او پسر داوود است. عیسی چه می‌کند؟ عیسی به بیابان می‌رود. او توسط یحیی تعمید دهنده غسل تعمید داده می‌شود - به یک معنا، این مسح اوست. او در فصل ۳ توسط یحیی تعمید دهنده غسل تعمید داده می‌شود، و در فصل ۴، عیسی به بیابان می‌رود و به یک معنا، اسرائیل را دوباره به تصویر می‌کشد. در حالی که اسرائیل در بیابان بود و آنها آن را خراب کردند، اکنون عیسی به مدت چهل روز و چهل شب در بیابان خواهد رفت و عیسی به اسرائیل واقعی تبدیل خواهد شد، جایی که اسرائیل شکست خورد. اکنون عیسی توسط شیطان وسوسه می‌شود و در جایی که اسرائیل شکست خورده بود، موفق خواهد شد. این پیروزی او بر شیطان است. وقتی عیسی به بیابان می‌رود، او تازه در فصل ۳ مسح شده است - در فصل ۴ او به بیابان می‌رود و شیطان را شکست می‌دهد. این سنگ‌ها را به نان تبدیل کن. خود را از بالای معبد به پایین بینداز، فرشتگان خدا تو را بلند خواهند کرد. «عیسی گفت»: خداوند، خدای خود را وسوسه نکن. «او را به کوه بلند می‌برد و تمام پادشاهی‌های جهان را به او نشان می‌دهد»: سجده کن و مرا پرست. «عیسی می‌گوید»: تو فقط خدا را می‌پرستی. «سپس عیسی هر سه بار شیطان را رد می‌کند، در واقع، از کتاب تثنیه از حدود فصل ۴ تا حدود فصل ۱۱ نقل قول می‌کند. عیسی از کتاب مقدس برای رد شیطان استفاده می‌کند. نبرد بسیار جالبی بین شیطان و مسیح وجود دارد.

**س. پروردگار سبت و پسر داوود [۰۶:۰۶-۶۹:۲۴-۱۷۴]**

حالا، پروردگار سبت. آیا عیسی را به یاد دارید؟ از او پرسیدند که آیا این مرد را که دستش خشک شده شفا می‌دهد یا نه، و عیسی گفت، چه؟ «سبت برای انسان ساخته شده است و نه انسان برای سبت»، و پسر انسان

پروردگار سبت است، و پروردگار سبت کیست؟ خدا/عیسی. او نه بار در کتاب متی «پسر داوود» نامیده شده است. نه بار «پسر داوود»، که باز هم عیسی را به عنوان پادشاه نشان می‌دهد، و ضمناً، در کتاب مقدس تصویری، می‌توانید ببینید که من عیسی را به عنوان هامپتی دامپتی با تاجی بر سر به تصویر کشیده‌ام زیرا عیسی در کتاب متی به عنوان پادشاه به تصویر کشیده شده است. این عنوان «پسر داوود» نه بار تکرار شده است. نویسندگان انجیل‌های دیگر فقط سه بار به آن اشاره می‌کنند، بنابراین متی سه برابر بیشتر از سایر انجیل‌ها، انجیل‌های هم‌نوا، به این «پسر داوود» ارجاع داده است. و بعد، بعداً به این موضوع برمی‌گردیم، اما این دی‌وی‌دی را اینجا می‌بینید؟ چهارده است.

فکر می‌کنم جنبه‌ی دیگری از پادشاهی مسیح در نسب‌نامه یافت می‌شود. اجازه دهید کمی به آن بپردازم، کمی بعد به آن برمی‌گردیم. در نسب‌نامه‌ی عیسی مسیح در متی فصل ۱، این عبارت جالب را می‌بینید که در آن او نسب‌نامه‌ی پادشاهان مختلف را بررسی می‌کند و در حین انجام این کار، نسب‌نامه را به پایان می‌رساند و به تمام پادشاهان اسرائیل می‌پردازد. او با ابراهیم به عنوان پدر اسحاق، اسحاق به عنوان پدر یعقوب، یعقوب به عنوان پدر یهودا و برادرانش شروع می‌کند و سپس به موارد مختلف می‌پردازد. داوود پدر سلیمان بود، سلیمان پدر رحبعام بود، رحبعام، پدر ابیا، به تبعید به بابل می‌رود. در پایان نسب‌نامه آمده است: «بنابراین، از ابراهیم تا داوود، چهارده نسل وجود دارد»، ابراهیم تا داوود - چهارده نسل، «و از داوود تا تبعید به بابل، چهارده نسل». از ابراهیم تا داوود - چهارده نفر بودند، از داوود تا زمان تبعید - ۵۸۶ سال قبل از میلاد، زمانی که اولین معبد توسط بابلی‌ها ویران شد - چهارده نسل». و سپس چهارده نسل از تبعید بابلی تا زمان مسیح «آن عدد چهارده، چهارده و چهارده مطرح می‌شود و شما می‌گویید»: خب، ما در واقع می‌دانیم که این واقعاً درست نیست، در واقع اگر به متی فصل ۱، آیه ۸ بروید و آن را با اول تواریخ ۳:۱۱ مقایسه کنید، خواهید گفت: یک دقیقه صبر کن، متی، نام سه پادشاه را از قلم انداختی «سه پادشاه از قلم افتاده‌اند. چرا او سه پادشاه را از قلم انداخته است؟ او سعی می‌کند آن را به چهارده، چهارده و چهارده برساند، بنابراین سه پادشاه را از قلم انداخته است. ما از اول تواریخ ۳:۱۱ می‌دانیم که سه پادشاه بودند که او از قلم انداخته است. ما نام آن پادشاهان را می‌دانیم - خب، آنها پادشاه هستند، بنابراین ما نام همه پادشاهان اسرائیل و یهودا را می‌دانیم اما او سه نفر را از قلم انداخته است. چرا این کار را می‌کند؟ او سعی دارد موضوع را به عدد چهارده ربط دهد. چرا عدد چهارده اینقدر مهم است؟

خب، در فرهنگ آمریکایی - الان دارم به ساعت روی دیوار نگاه می‌کنم - وقتی اعداد را می‌بینید، مثلاً A، B، ساعت دوازده است، ما از سیستم اعداد و سیستم الفبایی‌مان استفاده می‌کنیم که دو چیز متفاوت هستند. ما داریم - اینها حروف ما هستند و با آنها در کلمات می‌نویسیم. شما ۱، ۲، ۳، ۴ دارید - این سیستم اعداد C، D ماست. ما یک سیستم اعداد جداگانه داریم - اعداد عربی. حروف ما با اعداد ما متفاوت هستند و این خیلی مفید است که بتوانیم اعداد را از آنچه معمولاً می‌نویسید جدا کنیم. در زمان یهودیان، در قرن اول، آنها از اصلی به نام

جماتریا استفاده می‌کردند - و در این مورد بحث‌هایی وجود دارد، اما من فقط می‌خواهم به نوعی به این ایده می‌شود C، می‌شود B ۲، می‌شود A ۱، نزدیک شوم - که در آن اعداد و حروف یک چیز بودند. بنابراین، اساساً می‌شود ۴. و شما می‌گویید D می‌شود ۶، و V در واقع، در عبری می‌شود ۴، D می‌شود ۴، و بنابراین D ۳، حالا شما می‌گویید: «خب، این - DVD برابر است با - و اگر ۴، ۶، ۴ انجام دهید، دقیقاً می‌شود چهارده DVD ها است، دو هزار سال قبل از اینکه اصلاً وجود داشته باشند. متی DVD یک پیش‌بینی در کتاب مقدس در مورد ها به ما می‌گوید، اما شما همچنین به یاد دارید که DVD ها به ما می‌گوید «بله، او در مورد DVD در مورد - DVD. مصوت‌ها بعداً اضافه شدند، که در ابتدا، زبان عبری فقط صامت بود، و من می‌خواهم به این نگاه کنید آن کیست؟ مصوت‌ها را قرار دهید - آن کیست؟ دیوید. دیوید، دیوید. و بنابراین، کاری که متی انجام می‌دهد این است که از شجره‌نامه متی استفاده می‌کند تا بگوید چهارده نسل - عیسی مسیح پسر داوود است. چهارده نسل - عیسی مسیح پسر داوود است. او از این استفاده می‌کند، و احتمالاً به این شکل، و به همین دلیل است که چهارده، چهارده و چهارده را به کار می‌برد تا بگوید: «عیسی مسیح پسر داوود، پادشاه اسرائیل است که تا ابد سلطنت خواهد کرد.» بنابراین اینها فقط چند نکته جالب در مورد چگونگی به تصویر کشیدن الهیات مسیح توسط متی هستند. در اینجا مسیح به عنوان پادشاه به تصویر کشیده شده است.

ت پادشاهی آسمان در متی و مرقس [77:57-74:24]

[H = 83:17-74:24] ویدیوهای کوتاه ترکیبی: تلویزیون؛

### پادشاهی آسمان

حالا، ببینید در مورد پادشاهی آسمان صحبت کنیم. در متی این عبارت «پادشاهی آسمان» برجسته است. و حالا اجازه دهید کمی با این موضوع کار کنم. وقتی عیسی نزد یوحنا می‌رود - یوحنا در حال موعظه است - یوحنا چه چیزی را موعظه می‌کند؟ یوحنا موعظه می‌کند: «توبه کنید، زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است.» متی فصل ۳، آیه ۱. «توبه کنید، زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است.» این پیام یحیی تعمید دهنده است. حالا، چه چیز دیگری؟ در مورد خوشا به حال‌ها - شما مقاله‌ای از دیوید ترنر، یکی از دوستانم که سال‌ها پیش با او تدریس می‌کردم، خوانده‌اید. دیوید ترنر مقاله‌ای عالی در *مجله الهیات کریسول* در مورد خوشا به حال‌ها نوشته است. دیوید در آنجا خاطر نشان می‌کند که خوشا به حال فقیران در روح، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است. بنابراین، اولین خوشا به حال‌ها، «خوشا به حال فقیران در روح، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است.» و اگر خوشا به حال شما را تمام کنید، در آیه ۱۰ آمده است: «خوشا به حال شما وقتی که مردم شما را آزار دهند، زیرا پادشاهی آسمان از آن شماست.» و بنابراین، در فصل ۵، آیه ۱۰ وقتی خوشا به حال شما تمام می‌شود - خوشا به حال شما با این وعده پادشاهی آسمان شروع و پایان می‌یابد. پس این خوشا به حال شماست. به آن «شامل» می‌گویند؟ مثل پایان کتاب است. خوشا به حال شما با این وعده پادشاهی آسمان شروع و پایان می‌یابد. این یک چیز جالب است.

حالا، ۳۲ بار - در انجیل متی، این عبارت «پادشاهی آسمان» در انجیل متی ۳۲ و ۳۳ بار در انجیل متی استفاده شده است. بنابراین این یک موضوع اصلی است. ۲۸ فصل انجیل متی - در تمام آن فصل‌ها به آن اشاره شده است. بنابراین ۳۲ بار در انجیل متی، «پادشاهی آسمان» ذکر شده است. حالا، چیزی که متوجه می‌شوید این است که اگر به انجیل‌های دیگر بروید، آیا پادشاهی خدا است یا پادشاهی آسمان؟ متوجه خواهید شد که متی مدام از پادشاهی آسمان نام می‌برد. و نویسندگان دیگر انجیل از پادشاهی خدا استفاده می‌کنند. بگذارید فقط یک مثال از این را به شما نشان دهم، و باز هم، روش من این است - من چه کار می‌کنم؟ من کتاب متی را با مثلاً کتاب مرقس مقایسه می‌کنم و می‌خواهم عبارات موازی را ارائه دهم. اینها عبارات موازی هستند، و سپس تماشا می‌کنم که چگونه کلمات جابجا می‌شوند، و بعد می‌گویم، «چرا متی باید این کار را بکند؟ چرا باید کلمات را جابجا کند؟» بنابراین می‌گوید: «دانش اسرار پادشاهی آسمان به شما عطا شده است.» متی ۱۳، فصل مربوط به تمثیل‌های پادشاهی. «دانش اسرار پادشاهی آسمان به شما عطا شده است.» «خب، خیلی جالب است که اگر به کتاب مرقس، فصل ۴، آیه ۱۱، که تمثیل‌های پادشاهی مرقس است، مراجعه کنید، متوجه می‌شوید که «راز پادشاهی خدا به شما عطا شده است.» و بنابراین در مرقس «راز پادشاهی خدا» «را دارید، در متی» «راز پادشاهی آسمان» «را دارید.» بنابراین به نظر می‌رسد که متی تغییر کرده است - اکثر مردم معتقدند که مرقس ابتدا نوشته شده است و متی کمی به مرقس وابسته است.

حالا متی در واقع شاگرد عیسی بود، بنابراین او واقعاً سخنان عیسی را شنید، و شما می‌گویید: «خب، یک دقیقه صبر کنید. چطور می‌تواند کلمات را اینطور عوض کند؟» «اولاً، شما بین زبان‌ها جابجا می‌شوید، اهدافی دارید، آیا ممکن است عیسی این مثل‌ها را موعظه کرده و چندین بار در مورد آنها صحبت کرده باشد؟»

### الف. تطبیق اختلافات [80:47-77:57]

ما اینجا در کالج گوردون یک نفر به نام دکتر گریم برد داریم، و او این ایده جاز را معرفی کرده است، و من فقط می‌خواهم شما در مورد آن فکر کنید، و بیایید کمی در مورد آن فکر کنیم. دکتر برد، وقتی او می‌نوازد، بیایید بگوییم که او "جینگل بلز" را می‌نوازد، و بنابراین - این در واقع برای او خیلی زمخت است. او می‌تواند یک پیانیست کنسرت باشد. بیایید بگوییم که او "جینگل بلز" را می‌نوازد. او می‌تواند آن را به شکل کلاسیک بنوازد. بنابراین او پشت پیانو می‌نشیند - بیایید فقط "شادی برای جهان" را اجرا کنیم، شاید بهتر باشد - بنابراین او پشت شادی برای جهان "می‌نشیند و "شادی برای جهان" را به صورت کلاسیک با پیانو می‌نوازد. او آن را مانند "بتهوون یا موتسارت می‌نوازد، و آن را با تمام این چیزهای کوچک می‌نوازد، و بنابراین "شادی برای جهان" کلاسیک به نظر می‌رسد. سپس او همان آهنگ «شادی برای جهان، خداوند آمده است» «را برمی‌دارد و حالا آن را به عنوان یک آهنگ انجیلی می‌نوازد. و بنابراین او آن را می‌نوازد، می‌دانید «شادی برای جهان»... و به عنوان

یک آهنگ انجیلی، همانطور که در یک کلیسای انجیلی وقتی مردم «شادی برای جهان» را می‌خوانند، نواخته می‌شود. او آن را به صورت کلاسیک می‌نوازد، سپس تغییر می‌دهد. این همان آهنگ «شادی برای جهان» است و شما آن را به شکل کلاسیک تشخیص می‌دهید و وقتی او آن را در انجیل می‌نوازد، آن را تشخیص می‌دهید. اما شما می‌گویید: «یک دقیقه صبر کنید، اما متفاوت است، مثل جاز است.» این همان آهنگ است، اما او آن را به نوعی متفاوت جاز کرده است، زیرا اگر در یک زمینه کلاسیک بودید، آن را به این شکل می‌نواخت. اگر در یک آهنگ کلیسایی گاسپل بودید، او آن را به این شکل می‌نواخت، و سپس این نسخه بلوگرس از آهنگ «شادی برای جهان» را اجرا می‌کند، و بنابراین او بیشتر از یک نوع جاز با آن کار می‌کند، و کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد اما در عین حال یکسان است، و شما آن را به عنوان «شادی برای جهان» تشخیص می‌دهید. حالا هر سه روشی که او آن را می‌نوازد، هر کدام «شادی برای جهان» هستند، اما به طور متفاوتی اجرا می‌شوند و به دلیل وجود مخاطبان مختلف. بنابراین یکسان است، اما در عین حال متفاوت است.

هر کسی که موعظه کرده است - فکر می‌کنم قبلاً این را به شما گفته‌ام، من قبلاً وقتی در تنسی بودم، واعظ سیار بودم و در پنج کلیسای مختلف موعظه می‌کردم. از یک کلیسا می‌رفتم و یک خطبه می‌ساختم و سپس یک یا دو بار آن را موعظه می‌کردم - بار دوم، همسر من همیشه می‌گفت بار اول اقتضاح بود، بار دوم خیلی بهتر شد. بار سوم، او گفت: «این بهترین کار تو بود،» و سپس وقتی به کلیسای چهارم و پنجم رسیدم، گفت: «تا کلیسای پنجم،» او گفت، «می‌توانم بگویم که از موعظه خودت خسته شده‌ای.» بنابراین اتفاقی که می‌افتد این است - و هر بار که آن را موعظه می‌کنم، بسته به مخاطب، کلماتی که برای موعظه همان خطبه استفاده می‌کنم کمی متفاوت خواهد بود. چیزی که من پیشنهاد می‌کنم این است که عیسی قرار است چندین بار موعظه کند، بنابراین وقتی می‌گویید «باید دقیقاً همان کلمات باشد» باید خیلی مراقب باشید. متی قرار است برای مخاطبان مختلف بنویسد، و مخاطبان مختلف آن را به طرق مختلف خواهند شنید. و بنابراین، اینجا، شما این تغییر بین پادشاهی آسمان و پادشاهی خدا را دارید.

### پنجم. آسمان به عنوان کنایه از خدا [۴۷:۸۰-۱۷:۸۳]

این امکان وجود دارد - و من این توضیح را شنیده‌ام و تا حدودی با آن موافقم - متی از پادشاهی آسمان استفاده می‌کند زیرا او برای قوم یهود می‌نویسد، و بنابراین، قوم یهود دوست ندارند «خدا» بگویند و می‌توانید این را در نحوه تلفظ نامشان «یهوه» یا «یهوه» ببینید، آنها آن را تلفظ نمی‌کنند، آنها *آدونای* یا *هاشم می‌گویند* نام «- و همه» نام «را می‌دانند، وقتی می‌گویند *هاشم* - منظورشان خداست. اما آنها کلمه «خدا» را «- نمی‌گویند زیرا نمی‌خواهند مرتکب کفر شوند، و من واقعاً به احترام آنها به نام خدا احترام می‌گذارم. وقتی این چیزهای خدای من را می‌بینم، در فرهنگ ما کمی عصبانی می‌شوم. من فقط این را می‌بینم، کسی انگشت پایش را

به جایی می‌کوبد و ناگهان می‌گوید «خدای من «و من فقط می‌گویم» ما داریم به این چه جوری اشاره می‌کنیم» - ما هرگز اجازه نداریم بگوییم - یک معلم می‌تواند جلوی کلاس بلند شود و چیزی را بیندازد و به خودش آسیب برساند و بگوید «خدای من»، اما اگر همان معلم این‌طور بگوید و بگوید «خدای من»، اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا دنبالش است و از او شکایت می‌شود و شعلش را از دست می‌دهد. پس فقط خیلی مراقب این کار باشید، (ACLU) و من به خاطر این به یهودیان احترام می‌گذارم. حالا متیو می‌گوید «پادشاهی بهشت» - چیزی شبیه به چیزی که مادرم می‌گفت. مادرم به جای اینکه بگوید «خدا به من کمک کند»، می‌گفت «بهشت به من کمک کند. بهشت به من کمک کند.» وقتی می‌گفت «بهشت به من کمک کند» منظورش چه بود؟ منظورش «خدا به من کمک کند» بود اما می‌گفت «بهشت به من کمک کند». بنابراین بهشت به عنوان یک اطناب کلام یا می‌توان گفت یک کنایه استفاده می‌شود - بهشت به عنوان یک کنایه یا اطناب کلام برای اشاره به خدا استفاده می‌شود. بنابراین فکر می‌کنم متی این کار را می‌کند - به افتخار مخاطبان یهودی خود، آن را به «پادشاهی آسمان» تغییر می‌دهد، و به نظر می‌رسد که این کار او به دلیل مخاطبان یهودی‌اش است. آیا پیام خود را با توجه به مخاطب تطبیق می‌دهید؟ البته که این کار را می‌کنید. بنابراین، متی از «پادشاهی آسمان» به جای «پادشاهی خدا» استفاده می‌کند.

خب، پادشاهی آسمان. حالا، کاری که فکر می‌کنم انجام بدهم این است که کمی اینجا استراحت کنم. ما مدت زیادی است که اینجا بوده‌ایم. پس بیایید کمی استراحت کنیم و وقتی برگشتیم در مورد پادشاهی آسمان صحبت خواهیم کرد.

رونویسی توسط سارا وودبری  
ویرایش شده توسط بن باودون  
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت